

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در قصر قاجار توقف داشتند  
در عصر روز چهارشنبه پانزدهم این ماه از آنجا حرکت فرمودند  
مبارک که سلطانی و هم شایسته شریف فرما کردید

چون نواب استیضاب هراده و الاستار مصطفی قلمی میرزا حکمران مازندران  
در انتظام امور ولایت و انجام خدمات ایوانی مرتب استقامت  
خود را مشهور ای امنای دولت علیه و آله و خاطر اقدس بجا آوردن  
از حسن استقامت خود خشنود و استیضاب بود لکن بلاخطه کفایت

و کفالت حسن متذکری و صداقت نواب معزی الیه در  
این اوقات از جانب ایوان طوکانه یک قلمه نشان  
از مرتبه اول با جمایل مخصوص این مرتبه حجت و فرمان  
مبارک که مبنی بر التفات بفرهنگی نواب معزی الیه فرمودند

یافته ارسال کردید  
در روز جمعه گذشته که اعلیحضرت پادشاهی شریف با  
قصر قاجار گردیدند حاجی سید بهاء الدین چاوشی شایسته  
برون حجاج زیارت مکه مدینه زاو الله شرفا و تقیما بقانونی  
که معمول و متداول این دولت علیه است محل سینه و جاکشیده  
از جانب امنای دولت علیه الامر باین اذن حاصل کردید  
که حجاج هر کس طالب باشد بطواف بیت الله احرام روانه  
مقصد شوند و اینر حجه اخبار و اعلام باهالی ممالک  
محرور در روزنامه نوشته شد

سایر ولایات  
مازندران از فرار که در روزنامه این ولایت  
نواب هراده و الاستار مصطفی قلمی میرزا حکمران مازندران  
در اوقاتی که نسبت مشهود سر آمده بودند از آنجا بجا آوردن  
کلوله ریزی نایب رفته و امر کلوله ریزی معادلان فرمودند

انتظام کامل داده اند که کارخانه های کلوله ریزی همیشه  
در کار باشند و معطلی در کار آنها روی نهد و خود  
نواب معزی الیه بفرمان کارخانه رفته و رسیدگی در کار  
انها نموده کلوله ریزی را در حضور نواب هراده کلوله ریزی  
توی ریخته بودند و بسیار صاف و خوب و بی عیب  
ریخته شده بود بهر یک از آنها انعام و علف حجت

دیگر نوشته اند که در ایام شدت و با چند نفر در  
رسیده در اقل دوسه خانه را بریده بودند در این  
که نواب شایسته هراده باطل آمده اند سه نفر از دروازه  
بدست آمده حسب احکام نواب معزی الیه آنها را بفرمان  
نموده بسیاری فرستاده اند که بعد از استراحت و ادای  
مسروقه حکم بیست آنها بشود

دیگر نوشته اند که نواب شایسته هراده کمال استقامت و سستی  
سجری و کلی امور انولایت دارند از جمله قاپوچی را از  
در ب دیوانه بخانه برده داشته و قدغن کرده اند که بر  
عرضی داشته باشد از عالی و ادانی بدون حجت  
و نراحت حاجب و دربان آمده بخود نواب معزی الیه  
عرض نماید که در کار عارض از روی حقیقت و عجز روی  
نموده باقتضای عدالت و احقاق حق حکم از آنها نمایند  
از صبح تا دو ساعت بفرز و بقاب بانه اوقات خود را  
صرف رسیدگی بفرایض مردم و انتظام امور ولایتی می نمایند

از فرار روزنامه که از نوکران نورس مت سرده استر اباد اند بود کنار فرضا  
همه جا امن و بجا شایسته خانی بانو کریمه مشغول است آن بان پنا

۱۹۳

میزد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند مقرب انخافان  
محمد یوسفخان سرتیب و نایب الحکومه آنجا در رسیدگی  
بعضی از مردم و رفاه حال عیبت و حصول اینست  
سعی و استقامت تمام دارد و عموم اهالی و سکنه آنجا خصوصاً  
عجیزه و ضعفا از احقاق حق و دادرسی مقرب انخافان  
شکر گزار و دعاگوی دولت قوی کتب باید باشند

در ضمن روزنامه اینولایت نوشته بودند که روزه صحیح  
تا چهره ختری را بجهت خدمتکاری نگاهداشته بوده است  
و سبب تقصیر جزئی و ختم زوره را داغ نموده گمان  
اند ختم مراتب را بدین استخایه غرض و حسب حکم مقرب انخافان  
نایب الحکومه رجوع بحکم شرمطاع کرده و چون از کار  
این عمل از زوجه مزبوره بی سببی که مستوجب سزا  
تقدیب باشد در محضر حاکم شرع آنجا تحقیق پیوسته  
و ثابت گردید از قرار حکم شرع مطاع مقرر گردید که  
نزد شتر دیده داغ و ختم زوجه آن شخص تا چهره

و یک در باب سر باز متوقف و از الجاوه یزد نوشته  
که هر روز مشغول مشق میباشد و صاحب منصبان  
اننا حسب حکم مقرب انخافان محمد یوسفخان سرتیب و  
نایب الحکومه یزد کمال استقامت در مشق و انتظام امور  
انها دارند و احدی از اهل نظام و عموم نوکران باب  
قدرت خلاف حساب ندارد و بانهاست حسن سلوک  
با اهالی آنجا رفتار مینمایند

در بیستم ماه گذشته از قراریکه نوشته بودند  
سردار حکم ان یزد و کرمان چراغ علی بیگ نایب

کا که خانه را بجهت وصول وجه شاهی شرفی عیدی یزد  
فرستاده و حسب حکم مشغول انجام و مدارک تحوالت  
کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
یک نفر از سربازان جمعی عالیجاه میرزا کوچک خان  
سربنک متوفی شده بود امیر الامراء العظام سردار  
حکم کرده بود که عوض او گرفته شود و حسب حکم حواله  
کرده بودند شخصی بنزد مشرف فرج مزبور آمده و گفته بود  
که ده تومان بتمسید هم این سرباز را از قلم بینداز  
و موقوف بکن مشرف مزبور این حمله را قبول نکرده  
و مراتب را بعضی سردار رسانده بود حسب حکم مقرر  
شد که ده تومان را از آن شخص گرفت مشرف مزبور  
ببندد و خود آن شخص را بجای متوفی مزبور سرباز  
نوشته هر روزه داخل فرج در مشق حاضر نمایند

و یک نوشته اند که وزدی مشهور در یزد بود که سالها  
بزدی و شرارت اشتغال داشت و سبب هتور  
و بی باکی او نیستونستند او را بدست بیاورند درین اوقات  
مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیب و نایب الحکومه  
یزد او را دستگیر کرده و بنزد امیر الامراء العظام  
بکرمان فرستاده بود چون همه اهالی یزد از تعدیات  
و شرارت او بگوشه آمده و بکرات شرارت او مسموع  
سردار گردیده بودند لهذا حکم بیست او نموده کل اهل یزد از بیست  
شدن او شگفت و خورشیدی تمام داشتند

شال بافی در کرمان نسبت به قدتی کرده و بی خردی و تمیزی بافید و در طرح و حاکم  
شیرینت و درین اوقات امیر الامراء العظام در شش نهم تجرد و بی باکی که فرستاده

از فرار یک نوشته بودند امیر الامراء العظام محمد حسن خان  
سردار حکمران یزد و کرمان اوضاع قورخانه کرمان  
مصنوب نموده و قورخانه آتجا همه روزه در کار  
مشغول ساختن بساط بستند و اغلب روزها خود  
رفته رسیدگی بکار قورخانه نموده و انعام با آنها

و یک نوشته اند که طاعنا حلی نام اصفهانی که در  
نیز فارس سکنی داشته است از آتجا بدار العباد  
یزد آمده و چندی در آتجا بر وضع خوانی مشغول بود  
و از آتجا بکرمان آمده متعاقب او نوشته است محمد  
و سایر علمای یزد و نیز امیر الامراء العظام سردار  
رسیده بود که مشارالیه از مشایخ بیه بیه و در  
میان آن طایفه مشهور بحضرت ذکر است امیر الامراء  
سردار فرستاده او را حاضر کرده اند و در حضور  
علمای کرمان تحقیق عقاید او شده معلوم گردیده  
که با بی است و دو جلد کتاب عقاید فخری با بیها نیز  
از منزل او پیدا شده لهذا حسب احکام سردار او را  
در میدان سیاست کرده اند

و یک نوشته اند که دو نفر دزد در کرمان مدتها مشغول  
سرقه بودند یک دفعه سرقه کرده و بدست آمده  
بودند و امیر الامراء العظام سردار آنها را تهمینه کرده  
و مرخص نموده بود مشارالیه در ثانی مرتکب فرود  
شده بودند قدغن آید بهار و غه و که خدا یان در  
باب گرفتن آنها شده آنها را بدست آوردند و بعد  
از دست دادن اموال و شبها سرد و فکه از مردم

برده بودند آنها را در میدان کنجلی خان سیاست  
نمودند

و هم چنین شخصی در بلوک رابره و در کس باویان  
بود مراتب بعضی سردار رسیده فرستاد و در روز  
گرفته و ما دبا آنها را از او دریافت و بصاحبش  
نمودند و سارق مزبور نیز در همان میدان مورد  
سیاست گردید

و یک نوشته اند که چند وقت قبل ازین نواب استیضاب  
شاهزاده و الا سبار مویده الدوله لکھنؤ صاحب میرزا  
حکمران فارس عالیجاه فریدون خان یوزباشی را با محافل  
سردار فارس که نسبت کرمان است نموده بودند که در وقوع  
ان سانان را ممانعت و آن راهها را امن داشته باشند  
تقویت این کار امیر الامراء العظام سردار نیز عالیجاه محمد حسن خان  
خانزاده را بجهت محافظت سردار کرمان که نسبت فارس است  
گامور و فرار داده اند که در قطع و قطع و زرد و قطع  
و حصول امانت آن راهها با عالیجاه فریدون خان  
موانعت و مراقبت مسلوک دارد و از طریق کمال حفظ  
و حراست آن راهها را میکنند که قوافل و عابریین و تزاران

بدون تسلیس و مخافت آمد و رفت نمایند و هم چنین  
بصیاط شهر باکب و سیرجان نیز که متصل بحاکم فارس است  
این خصوص تاکیدت آید شده است  
و یک نوشته اند که چند وقت قبل ازین ضعیف در کرمان  
بوده وضع محل نموده است و هم دختر یک شکم زاینده  
امیر الامراء العظام سردار خارجی بجهت آن ضعیف  
شهرش قرار داده اند که با آنها

۱۰۴۵

اجبار و ول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آنکه ازین ولایت  
بنام رجب الثانی بود و در آن تاریخ اهل مشورتخانه  
از خوانین و دکوای رعایا منور جمع شده بودند و لکن  
در جان روزا بنا بود که جمع بشوند و علیاحضرت  
پادشاه نیز مشورتخانه تشریف فرما شو

چونکه قشون خاصه را که در مملکت ایرلند و از نزدیکین  
اوقات بخارج میفرستند قشون رویت را که در آنجا  
بودند خبر کرده اند که بجای قشون خاصه که بخارج

میفرستند مشغول خدمت باشند و این قشون  
که خبر کرده اند سی هزار نفرند و سوای اینها ده هزار نفر  
قشون رویت نیز در آنجا تدارک امور خدمت اند و قشون  
سجری را نیز زیاد میگردند و بسیاری از جوانان معتم  
سهرهای کن در ریاده طلب شده بودند که داخل  
قشون سجری پادشاه شده مشغول خدمت باشند

فرانس

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که برادرزاده  
امپراطور این ولایت که پرنس ناپلیان مینامند  
بنام است بملکت بلژیک پادشاه آنولایت  
و در خصوص رفتن پرنس بلژیک بلژیک درین روز  
نوشته اند که معلوم است منظور از رفتن پرنس ناپلیان  
ولایت این است که دوستی مابین دولت فرانسه  
و بلژیک است حکام بلژیک بلژیک سرحد مملکت فرانسه  
و قانون وقاعده این ولایت مناسبت لغاتون قانون  
مملکت فرانسه دارد و خبر هر دو مملکت این است که دوستی

و اتحاد کامل در میانشان باشد

دیگر در روزنامه این ولایت می نویسند در باب  
استی کردن اولاد پادشاهان سابق فرانسه که  
لذت بخش و اربلیان و والد نوه لوی فیلیپ راضی باین  
استی کردن نبود زیرا که داعیه سلطنت این مملکت را  
برای پسر خود دارد اگر چه آشکارا اعطای این استی  
بمی کرده ولی با اینکه برادرانش باین عمل راضی بودند خود  
اورضامندی نداشت

عجمانیست

در روزنامه اسلامبول تاریخ چهارم رجب الثانی  
نوشته اند که رضا پاشا وزیر قشون سجری منصوب  
منصب گردید و محمد پاشا حاکم ادرنه و وزیر قشون  
سجری شد و چون محمد پاشا در اوقات حکومت  
در ادرنه با کمال سلوک و خوش رفتاری با اهل  
آنجا راه رفته بود و نظم تمام در آنولایت داشت  
اهالی آنجا از ناموریتش آراسته بجای دیگر بسیار  
متأسف بودند و موافق خبر آخر در آن روزنامه  
میدید که باسلامبول بیاید

دیگر نوشته اند که سر پرنس وزیر مختار از آنجا  
دولت یسکی و نیای شمالی باسلامبول وارد  
شده و محصورا علیحده تسلطان شرفیاب کرده  
و کمال اظهاراتفات از جانب سلطان نسبت  
شده بود

دیگر نوشته اند که چون بعضی از تجار و کنتان  
ساکن بنا و رات محالک عجمانیست بارعایا و رازانین

و صاحبان اطلاق آنجا را در خصوص غله معامله میکردند  
ع حاصل آید و در اسلام پیش از مسکروند و این بر حله  
ضرر عایا و باعث گفتگو مابین آنها و الهی دول خارج  
میشد لهذا پاشای سلاطینک اعلام کرده بود که اگر بعد  
ازین گفتگو مابین تجار دول خارج و رعایای مزبور  
نبود و یوانیان درین کار مداخله ننمایند کرد و در حقیقت  
سختی داشت مگر اینکه مسکات آنها نسبت به فقر خانه

### حاکم باشد اسپانیول

بعضی از خوانین این مملکت را که عداوت بوزر و ا  
و کار و زار اغوشش میکردند بطوریکه اسورات و  
خوب پیش میرفت در این اوقات حسب حکم پادشاه  
اسپانیول اجزای بلد کرده اند بعضی از اینها را جزیره  
کناری فرستاده اند و بعضی را جزیره کوچکی که مجا  
میسانند و در دریای آق و کبر واقع است و بعضی  
نیز بجای دیگر فرستاده اند

### چین

ازین مملکت نوشته اند که در شهر گانی جنگ میان  
یاغیان و قسون خاقان چین در میان بود و مردم  
ورد در خانه های خود لنگه سپید داشتند که سپر  
کلوله باشد و کلوله اران رد نشود و در نزد یک  
شکایتی که آنهم شهری بزرگ است در کنار آن مملکت  
جنگ در میان بود پسکن پای تخت چین هنوز به دست  
یاغیان یتقاده بود و لکن چکان داشتند که بگیرند در  
کانتان و چون قسون دولت ریاد بود و در اکثر شایان

از اهل تاتارستان بودند و بی جنگ سخت مشکل بود  
که این دو شهر به دست یاغیان بیفتد در شهر کانتان  
که ششمین اکثر فرنگها که بچین میروند آنجا است اینست بود  
و لکن در اطراف مردم از دولت خود ناراضی بودند  
و اگر یاغیان نزدیک با آنها میرفتند و در بنود که  
آنها پترو هستند یاغیان گردیده و با آنها متفق میشوند  
چنانی از قسمت مملکت چین جزاوان آمده بود و بعضی  
و سایر ممالک روی زمین فرستاده شده بود

بجهت تنگ دور نمیدانستند که راه آنجا بریده نشود  
و مملکت مسکروند که چانی که اسال از چین بخارج فرستاده  
باید کفایت دو ساله را بکند سال آینده یعنی است  
که چانی در کانتان کم یاب خواهد شد مگر جنگ تمام  
گردیده و ولایت امن و آرام نشود و در خصوص جنگ  
یاغیان با قسون دولت در نزدیکی آمانی شخصی نوشته است  
که قسون خاقان که این شهر را محاصره کرده بودند که  
شاید از دست یاغیان بگیرند کم کم محاصره را سخت تر  
میکردند و از طرفین آدم ریا و کشته شده بود و بسیار  
بی پول بودند ضرر زیاد بر عایا و اهل آنجا خورده است  
چونکه هر دو طرف مایات از عایا مسکروند کرده  
قسون خاقان دولت تو مان بیکی از صاحب مضیان  
در وازنا فرستاده بود که در وازنه را بکشاید که قسون  
خاقان داخل بشوند بعد تر سیده بود که او را فریب  
داده پول بگیرند و در وازنه را بکشاید باین ملاحظه  
قسون خود را با آنجا بیاورد و از هر سبب با اهل آنجا  
بسیار بد میکند

### احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ  
 میزند نوشته اند که متاخر پنج چهارم جمادی الاول  
 در شب جمعه آتش در محله خاص کوفی افتاده بود  
 چونکه باد شدید میوزید تشوش داشتند که این آتش  
 زیاد خرابی بکند اما نظام آتش خاموش کن زدند  
 خبردار شدند و با کمال چابکی آتش را زود خاموش  
 کردند و اتفاقاً بعد از بروز کردن آتش با دست کم  
 شد و یک باب خانه و پنج باب دکان بیشتر سوخته  
 و هم در آن روز طوفان زیاد در فراد کثیر شد  
 برف و باد هم زیاد آمده بود اما چند آن طوفانی  
 کشتی فرانسه که در فراد کثیر بود ضرب این طوفان  
 دیده و صاحب کشتی یکی از کشتیهای نارابالای  
 کشتی فرستاده بود که باد بانهارا بزند و دیدن  
 کشتیان بپایین طول کشید و چسبیده است بالای  
 تیر کشتی صدا کرد که پائین بیاید جواب نداد کشتیان  
 دیگر بالا رفت دید که کشتیان اول از شدت سیر  
 زبانش بزد آمده است و بطوری بر سر کشتی چسبیده  
 مانند اینک شیخ سبب باشد طناب بایسته  
 او را پائین داد و کم کم بحال آوردند تا باسلامبول  
 رسیده او را به بیمارخانه فرستادند که اطباء ایجا  
 معالجه نمایند و گن دست و باروی او چنان بیخ  
 سبب و سیاه شده بود که می گفتند مشکل است خوب  
 نبود و خواهر افتاد

۱۰۴۸

ایضا در همین روزنامهها نوشته اند که درین اوقات  
 چند نفر قلابی که پول قلب سکه میزدند بدست نظام  
 افتادند در محله یکی شور پنج نفر ازین اشخاص گرفتند  
 که اسبابی که پول قلب بان سکه میزدند در نزد آنها  
 بود و پولی که سکه میزدند یکی پول عقال بود که هر یک  
 بیت پاره داد و ستمی شد و یکی هم پول استبر  
 بود که هر یک بیت فرو تر بود و پولهای قلب و اسباب  
 سکه زدن پول قلب که در نزد آنها بود بدوش خود  
 گذاشته و در تمامی محله بیک اوغلی کروانده بعد از آن  
 برده محبس انداختند اهل کسبه و فقر از گرفتار شدن  
 این اشخاص بسیار خوشحالی میکردند زیرا که این پول قلب  
 که اینها سکه میزدند چون کم قیمت و پول خورده بود  
 در میان کسبه و فقر ادا دست شده و ضرر زیاد  
 بانها رسیده بود

در باب اعتناش در مملکت پیانت نوشته اند  
 که باز سفندین در کوهستان آن مملکت بودند معلوم  
 شده بود که کشتیان آنجا خلق را تحریک کرده بود  
 شش نفر کشتیان آنجا را گرفته محبوس کرده بودند  
 و بعضی از اعیان قضبات و کدخدایان دولت  
 نیز گرفته بودند و در کوهستان آن مملکت هم در  
 نزدیکی شیطان جنگ جزئی باین اعیان و قسود  
 دولت شده بود از اعیان سه نفر زخمی شدند  
 و بدست چاکران دیوان افتاده بودند که آنها را به  
 بیمارخانه بردند  
 دیگر نوشته اند که متاخر پنج پنجم ربیع الآخر

اعل شورخانه و کلای رعایا و خوانین مملکت بلر سجد کرده  
امور دولتی در پای تخت آنجا جمع شود

در کنار مملکت مانند مردابی است که هر کم میمانند  
این روزها بنده ساخته و آب این مرداب را بر  
کشیده اند حال مدت ده سال است که دولت  
مشغول خشک کردن این مرداب است و تا بحال  
نقد پنجاه شصت هزار هزار بذر افکن از آنجا خشک  
کرده اند که زراعت می کنند درین روزها ملاحظه  
در خصوص این زمین اتفاق افتاده است اعیان  
شهر لیدن ادعا از دیوانیان دارند که زمین این مرداب  
سواحق فرمان پادشاهان سابق مال آنها باشد  
نه مال دیوان و تاریخ فرمان آنها دولت پادشاه  
یک سال پیش ازین ایام است دیوان قبول ندارند  
و میگویند جانی بود در زیر آب دریا و لم یزرع ما  
در آورده ایم و ملاحظه آنها بهمین پنج دستور در میان

قدیم یونان بعضی از تنهای قدیم که در تنجا نهادند  
با شکل مردوزن و سجه بطوری جاری کرده اند که در قوه  
حجاران این ایام نیست که با نظور تصویر است از سنگ در  
بیاورند و بعضی از آن تنها را از مرد سرخ و مرد سبز  
تراشیده بودند مدتی بود که معادن این مرد الوان را  
نمی دانستند که در کجاست چند وقت پیش ازین شخصی  
سنگه اشرفیست بمملکت یونان رفته بود که شاه  
معادن نر بود را پیدا نماید درین اوقات هر دو معادن را  
پیدا کرده است مرد سرخ را در خود کوههای مملکت یونان  
حسب است و مرد سبز را در جزیره طینوس که یکی از جزایر  
یونان است

در میان بعضی از رعایای کوستان مجار قاعده غریبی است که زرنج  
بجوزاک کم میخورند بدو سبب یکی اینکه رنگشان سرخ بشود و فریب بشوند  
سبب دیگر اینکه در بالای کوهها زرقن که نفس آدم تنگی می شود  
زرم میکند نفس تنگی می شود و بعضی از دخترهای این مملکت زرنج میخورند  
که سرخ و فریب خوش کل بشوند طبعی که آنجا رفته بود نوشته است که دیدم  
که دختری خوش کل بود و نامزد پسری از اهل آنجا بود اما لاغر بود و در شکم  
خوب بود خواست خودش را خوش کل نماید هفته چند خوراک زرنج خورد و در  
خوب سرخ و فریب گردید اما بعد خوراک زرنج را زیاد کرد و نفس و کسالتی  
میخورد بالای کوه بردند کمی زرنج بدین می اندازند با سانی بالای کوهها  
سخت میرود و مردمی که بخوردن زرنج عادت دارند ظاهر اضری از او  
نمی بینند مگر وقتی که ترک میکنند آنوقت سست آن با آنها اثر می کند  
کله ایشان گرفته می شود و شکشان سوزش بهم میرساند  
سم حوزاکی مانند کبی از سموات خورد و با در آنها ظاهر میشود  
و علاجش این است که دوباره زرنج بخورد

در خصوص صرخ و اسبالی که سجده سوراخ کردن کوهها  
ساخته اند که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته  
درین روزها خوب امتحان کرده اند و از قرار یک نوشته  
سجده چسبن کار بسیار خوب است و چینی جاری می  
چهار نفر آدم او را راه می برند و شب و روز هم کار می  
در سنگ تراشیدن و اشکال از سنگ در آوردن  
در ایام قدیم استادان قابل و ما هر بوده اند و بهتر  
ازین ایام سنگه اشکی می کرده اند خصوصاً در ایام

۱۰۴۹

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم بهمن ماه جمادی الثانی ۱۳۷۰

شماره صد و شصت و چهار

قیمت روزنامه

یک ششده بریکه

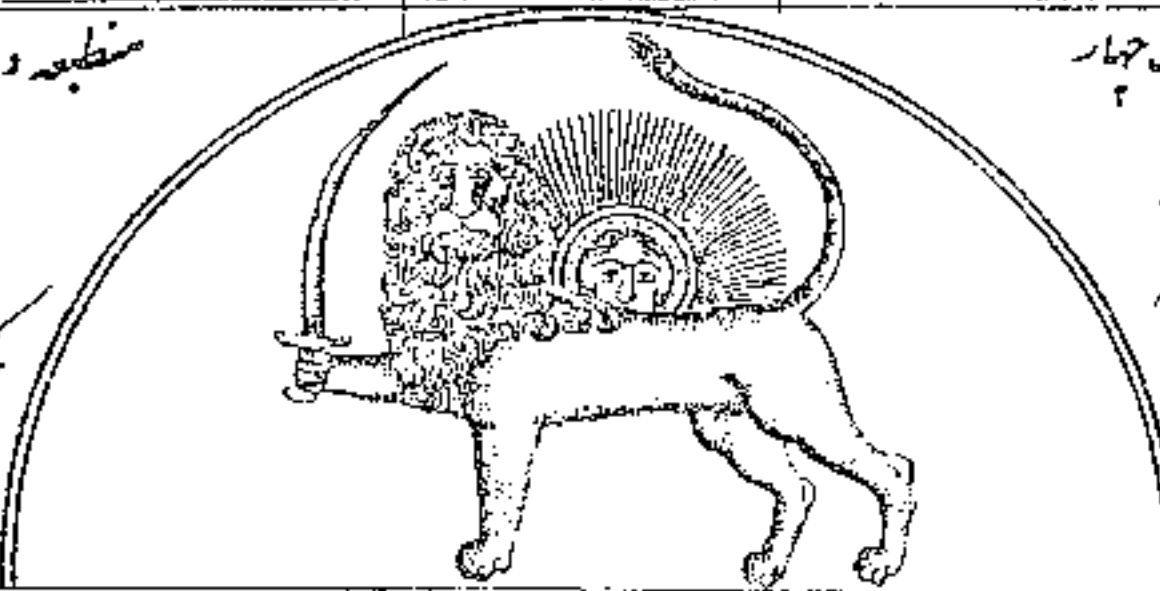
در تهران و چهارمهر

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط اول چهارمهر

بسیار با هر خط



## اخبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در شب شنبه بیست و یکم این ماه هفت ساعت و هفده دقیقه از غروب گذشت آفتاب از برج حوت برج محل تحویل نمود امضای دولت علیه و مقربان حضرت کردون بطلت شنبه و علمای اعلام در حضور اعلیحضرت پادشاهی بودند و در وقت تحویل مبارکباد عید نوروز را گفته شاهی اشرفی عیدی بر یک بست مبارک مرحمت فرمودند و صرف شیرینی و شربت نمودند و سال تحویل در وقت غروب اتفاق افتاد و اعلیحضرت پادشاهی و امضای دولت علیه بیست و شش ساعت از شب رفته پیدار بودند تا خدای آن بسلام عید را موقوف و چاکران در بارها یون را معاف نمودند و در روز چهارشنبه بیست و دوم این ماه چنانچه معمول است اول این دولت غلیظت تحت مروره بود استخوانه بزرگ بود چون بایون زیب و زینت یافته با سلام تمام دادند و سایر اداکن عظامه امضای دولت علیه و امر او خوانین و میر خجگان و صاحب منصبان نظام هر یک در مرتبه مقام خود مجلس جماعه قاضی گردیدند و همچنین از نوکر و افواج حاضر رکاب تقدیر کرد و در وقت

مبارک که دست و کنجایش است از غلام شیخ متان و غلامان عطا حضور از نسجه و چارچی و غیره کلام هر یک در مقام خود است و در مجلس بایون تخت بر سر شیلک توب و زینورک در میدان کرد دیده و بعد از آن عالیجاه خلیف باسی در حضور مبارک ادا خطبه طبع سببه تهنیت عید نوروز فیروز سلطانی نموده بعد از آن عالیجاه پیرزاده شمس الشیراز قصبه غم آرد روح اعلیحضرت پادشاهی گفته بود معروض میگاه بایون دشت که نخواستند در روزنامه این هفته در صحنه علیجه مرقوم میکرد اگر چه سایر شاعران و قصاید غزلی خوب متن کرده بودند ولی چون قصبه عالیجاه مشارالیه در سلام عید معروض افتاد لهذا در روزنامه بیست و دوم طوق تعین حضور مبارک با عطای شاهی اشرفی عیدی سرافراز و صرف شربت نموده بعد از انقضای سلام دیوانخانه اعلیحضرت پادشاهی بجا رفت سر در ب دیوانخانه که مشرف میدان ارک است تشریف فرما گردیدند و همگامی دارالخلافه مبارک که از وضع و شرف و صیقل و کبر سببه زیارت وجود فانی لاجورد بایون در سال مزبور شدند و افواج فایز نظام از توپچی و سر باز سر تا سر بدان نصف نظام کشیدند و در حضور مبارک بر پا نمودند و صحایط نیز مورد نظام ملوکانه گردیدند

۱۰۵۰



### سایر ولایات

از قراریکه در روزنامه ایولایت نوشته است  
 مقرب الخاقان امیر اصلاحات حاکم محترم در نظم و انضام  
 و تحسین امور کی رعیت کمال مراقبت و اهتمام را دار  
 و از هر کس که خلاف قاعده و بی اعتدالی صادر شود  
 بمقام رفیع آن برمی آید از جمله از قراریکه نوشته بودید  
 از رعایای قریه دیزج ساکن رتجان بوده و در زنجان  
 نامزدی داشت شارالیه عروسی کرده بعد از چند روز  
 رفیقی داشت است او را بازش بهمانی دعوت  
 کرده بعد از آنکه بجان رفیق رفتیم بود صاحب خانه

که میزبان بوده است خواسته بوده است سرداما در آب  
 و زمان او را صاحب نامی ضعیف از قصد او مطلع شده  
 و شوهرش را از چنگ میزبان رهایی داده بود و  
 مقرب الخاقان امیر اصلاحات حاکم محترم سید. آن  
 شخص را او ستاده آورده اند غنیمت کامل نموده و بعد از آن  
 اخراج بلد کرده است  
 اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عا  
 چو اعلی خان نایب الحکومه در انتظام امر آنجا کمال اهتمام  
 را دارد و در نظم امر شهر و انتظام فرآ و نخانها و  
 جبه خانه نهایت سعی و مراقبت را دارد و اگر اوقات  
 خودش بجهت خانه رفتن استادان و صاحبان  
 صنایع را در کار خودشان تشویق مینماید و همچنین  
 بمشق هر بازان آنجا اسم رسیدگی کرده لازم است تمام را

بعل می آورد

عالیجاه علیستی خان سرتیب فوج قهرمانیه که با فوج  
 از کرمان بدر باره ایون حاضر شده بودند در روز  
 چهارشنبه گذشته که موکب ایون در قصر قاجاریه  
 داشتند با فوج خود شرفیاب حضور مبارک گردیده  
 در جلوسه در ب قصر قاجاریه بنظر اعلیحضرت پادشاه  
 رسیدند چون در کمال آراستگی و شکوه بودند  
 خاطر اقدس تایون گردیده عالیجاه شارالیه با صاحب  
 عموم احاد و افراد فوج مزبور مورد تحسین و نوازش  
 شدند و انعام با تمام حمت گردید

فوج اصفهان ابو ایچمی عالیجاه سیرت عبدالوهاب خان  
 سه تنگ که احضار به باره ایون شده بودند در روز  
 پنجشنبه بیستم اینماه در میدان ارک حاضر شده  
 صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت پادشاهی بیابان  
 فوج مزبور شریف فرما گردیده و فوج مزبور در خصوص  
 مشن کردند و حرکات آنها در آستکی و انتظامشان  
 بسیار مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده و خوب  
 کرده مورد تحسین اعلیحضرت پادشاهی گردید

در روز شنبه بیستم اینماه فوج قهرمانیه که در قصر  
 شرفیاب حضور مبارک شده بودند در میدان ارک  
 حاضر شده و صف نظامی کشیدند جناب علالت  
 صدر اعظم بمیان فوج مزبور آمدند و رسیدگی بانها  
 نمودند چون کمال آراستگی داشتند مورد تحسین  
 جناب معظم الیه گردیدند

۱۰۵۱

فصل

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دزدی از خانه شخصی شیشه گرفت و یکان او قدری شال و اسباب صرفت کرده و در غرابهای بیرون شهر پنجه است پنهان نماید آدمهای داروغه بسر وقت اورسیده بودند اسبابها را بجا گذاشتند خود فرار کرده بودند و اسبابها را آورده بجا آنها تسلیم نموده بودند و در روز مور صفری بود است از آنجا که فرار کرده بودند فرار کرده و در آنجا دور الاغ از شخص فرودی در دیده بود صاحب الاغها بتعاقب او رفته و او را گرفت الاغهای خود را بجا نموده و در روز ابهر آورده دست داروغه سپرد

و الان مجوس است

اخبار دول خارجه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه رسید بیستم شهر ربیع الثانی بود و در روزنامه این ولایت نوشته اند که رشتان در آنجا بسیار سرد و سخت شده بود و در دو خانه سین که از پای تخت میگذرد چنان بخیس شده بود که مردم از روی بخیس عبور میکردند و بخت کرانی نان بعضی از فقرا در شهر پاریس و سایر شهرهای فرانسه قدری بخیس می کشیدند

در شهر بوریخ که شهرت در کنار دریای تنگ بلین فرانسه و انگلیس واقع است سکونی در میان دریا ساخته و درین روزها با تمام رسانده اند بجهت محافظت کشتیها در هنگام طوفان هفتاد و یک

سال پیش ازین ایام بنای ساختن سکوی مزبور را گذاشتند چونکه میدانستند که کشتیهای جنگی و غیره که در آن صفحات کشت می کنند پناه گاهی که از ضرب امواج محفوظ باشند در آنجا لازم دارند بعد از آن در مملکت فرانسه اعتنا شد و بجهت اعتناش آن ولایت این کار عمده معوق ماند و طریش را شخصی و بان نام که همدس مشهور آن ایام بود کشیده بود بعد از آن باز در ایامی که امپراطور ناپلیان بزرگ در فرانسه سلطنت میکرد مشغول ساختن سکوی مزبور گردیدند تا اینکه پادشاهان قدیم فرانسه که سلطنت اولیا برقرار کردند بجهت اخراجات زیاده ساختن سکوی مزبور را موقوف کردند تا در این اوقات که ایام لوی ناپلیان امپراطور فرانسه است سکوی مزبور تمام رسیده است و هفت و هفت طیان و سیصد هزار فرانک پول فرانسه که تخمینا سیزده کروڑ روسی برابر تومان بحساب پول ایران باشد از آن ایام هفتاد و یک سال پیش ازین آنجا مال خرج این سکوی شده است و کل روی زمین در سیچ ایام چنین سکونی ساخته شده است کشتیها که سابق قشوریش غرق شدن داشتند حال در طرف سکوی مزبور لکری اندازند و هر چه طوفان در دریا باشد با آنها تا تیر می کشد که در سیصد هزار فرانک در محاسبه فرانسه خرج تمام سکوی مزبور را بر آورد کرده بودند و همدسین قابل آن ولایت مشغول این کار بودند و بطوری تمام کرده اند که صد و پنجاه هزار تومان کمتر از آنچه بر آورد کرده بودند خرج شده است و تمام کردن این

عمل بیا و کاری سلطنت لوی ناپلیان پسر طور فرست  
اعیان مملکت استرالیاجا رصد بود که تخت  
مشتاد تومان بختاب پول ایران باشد بصاحب  
یک کشتی انعام داده اند بسبب اینکه از ولایت انگلیس تا  
استرالیاد رشت روز آمده بود و در میان خود  
خواه جمع کرده و قرار کرده اند از آنروز تا دیوان  
دیگر هر کس کشتی در شصت و هفت روز از انگلیس  
بیاورد و کشتی او حامل کتوبات باشد با این انعام رابا بود  
اکثر بنا در ات شهرادر کنار دریای بالتیک در  
ریج الاول پنج سبت اند و با پنجم تا اول این بهار  
رد کشتی پنجم محل و نقل غله و غیره موقوف گردیده  
و در شهر استین چهل و شش کشتی که غله بارشان  
بود در میان پنج مانده بودند

پادشاه ناردونی پنجاه و سه سال و بیست و چهار  
سال پسر طور فرست چهل و چهار سال پادشاه  
ناپولنی چهل سال بواریه چهل سال هتورسی و سه سال  
سلطان عثمانیه سی سال پسر طور استرالیاجا  
در روزنامه نوشته نوشته اند که چهار نفر از اهل مصر که  
سال است در مدرسه مونیخ پای تخت بواریه درس  
میخوانند منصب معلم الاطبا گرفته اند و غیر از درس در  
علم طب زبان کرک و لاطین و منبر را نیز یاد گرفته اند  
و در علم موزیکان و علم نقاشی هم کار کرده اند  
از آنکه از ولایت زوشان بیرون بیایند ز با  
وزارت انگلیس میباشند بسیار قابل و صاحب  
ذکاوت هستند و بیشتر از پنج سال در شهر  
مانده اند

اعلانات

در وچ که قورخانه دولت انگلیس است تو بهار الطرح  
دیگر اختراع کرده اند که از ته پرمی شود پنجاه بابا کلوا  
مجه امتحان انداخته اند و خوب از امتحان بیرون  
آمده است و میگویند که با بنظر دو نفر میسواند تو بهار  
سکین را که در روی کشتی هستند در هر دقیقه پنج بابا  
پر کنند و خالی نمایند و تو بهای جلور او هر دقیقه شش بابا  
و تو پسم چندان گرم نمی شود

کتابهای چاپی دارا اخلاق طهران که در کارخانه خان  
عبدالمجید با سمسورچی در محله نزدیک دروازه دولت  
الطباع سمسور شده از اینتبار و محمدی  
حمه نظامی که تازه رده شده است بخط خوش  
قطع و زیری و بسیار خوب و صحیح لطباع شده یک جلد است  
در یکی از روزنامه ها سن پادشاهان فرنگستان را  
باین تفصیل نوشته اند پادشاه انگلیس سی چهار  
و از هم بزرگ هفتاد و یک سال بزرگشت و دو سال پسر  
پنجاه و هفت سال پسر طور روس پنجاه و شش سال

سران	دو تومان
زبدۀ المعارف	دو تومان
معراج السعاده	یک تومان
حدیقه الشیخ	هشت هزار

فصیحه است که عا لبحاه میرزا سر و شمس السواد  
سلام عید نور و در صدوا اطلحه سپادشای عرض نمود

ایمان است در دین و دین  
باز شایسته غایب از درگاه  
هانت باغش همه در جایگاه  
عاشق ایستاد در کعبه  
شاه عالمی که در کعبه  
عذبت باغ گلستان  
سکون و فوکان صبح با باده  
مدل زاده که یکبارگی  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
سکون و فوکان صبح با باده  
مدل زاده که یکبارگی  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا

شاه از این ایستاد در کعبه  
دین او را فکده در دین  
شاه ایستاد در کعبه  
کرمی که در کعبه  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا

کلاه جوش سر در راه کعبه  
پایین کعبه کعبه  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا

نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا  
نوشته بود آن بوسه با دارد  
کیمیای کیمیا

عید تو فرخنده باد و ملک تو پاینده  
ایکده داشت بر چرخ خورشید

از جمله اخباراتی که در وزعده سعید در وقت تمام بعرض خاک پای مبارک  
رسید حکایت بندر عباس است که همیشه در جزو ابواب جمعی مملکت  
فارس حکومت آن بجانب دولت علیه بشیخ سیف خان محول  
موقوف بود در سنه ماخیزه که شیخ سیف خان مرحوم شیخ عبدالرحمن  
و بعضی از شاخ بندر بزور خیال خود سری افتاد و صید لویی پسر امام  
به بندر آورده با او عهد و میثاقی در میان نهادند بعد از آنکه بوقت  
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس سمت کریمت برای نظم آن  
رفته بودند اما لی بندر و رقله را خدق خرموده آذوقه و توپ و فوج  
و جمعیت و استعداده از امام مسقط و صید لویی برای خود آورده است  
عزاده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشته سوای توپهایی که در جای  
مسقطه از امام مسقط در روی دریا بود و بستگرقشون دولت علیه  
می انداختند نواب مؤید الدوله اسم امیرزاده ابوالقاسم خان را  
باتو پخانه و فوج کلپا یگانی ابوالحسنی عالیجاه نصرالله خان و فوج قشانی  
ابوالحسنی عالیجاه لطفعلی خان با مصطفی قلینجان بوناشی و قشون لاری نامور  
بمحاصره بندر نمودند چند روز ایام محاصره طول کشید و قشون دولت  
سنگرناو خانهای بیرون شهر را تصرف آوردند از آنطرف برسم مسجد  
پراور زاده امام مسقط با چند جهاز جمعیت و زیاده از چهار عاده توپ  
باید از آنها آمد تا در روز هشتم همین ماه جمادی الثانی روز روشن افواج  
قاهره و قشون بوش برده بقهر و غلبه شهر را تصرف آوردند و قشون  
بامداد اهل بندر آمده بودند بطوری سرسپیده شدند که اغلب از بیم جان  
نخواستند خود را به بند و جهاز برسانند بدریا انداخته غرق شدند  
و هم چنین در روز هشتم اینماه عالیجاهان رضاقلینجان با فوج عرب  
و امامعلی خان با فوج کرمانی که از طرف کرمان حسب الامر اولیای  
دولت علیه امیرالامراء الفظام محمدحسن خان سردار حکمران یزد و کرمان  
نامور نموده بودند قلعه کبیر را که از قلعه ای بسیار سخت کریمت بوده

هوای بندر عباس آنها هم بنای خود سری گذاشته بودند  
بپوشش و قهر و غلبه تخریب نمودند که این دو فتح نمایان درین روز  
عید سعید خیر رسید و بنجا کپای طایون معدوم و ضافت  
از جمله عطایای معطره که درین عید سعید از جانب شیخ ابوالحسن  
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بجناب جلالت مآب  
اجل اکرم صدر اعظم انجمن مرحمت شد یک قطعه  
نشان امیرنویانی اعظم است با یک رشته حایل سبز  
که اول نشان این دولت علیه است و مختص شخص اول  
دولت قوی است اما حال اسم در حق و زراعت  
سابق بکسی مرحمت شده بود که اینک حال در حق جناب  
معدومی الیه مرحمت شد و یک قطعه شرا به بندگان مکتول به  
الماس و مروارید که ریشه آن مرواریدهای بسیار  
درست ممتاز و قبه مای آن مکتول بالماس برلیان است

۱۰۵۵



# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه غره ماه حجب المرجب بنو سال با رسایل

نزه صد و شصت و پنج

وقت روزنامه

یک نسخه شایسته

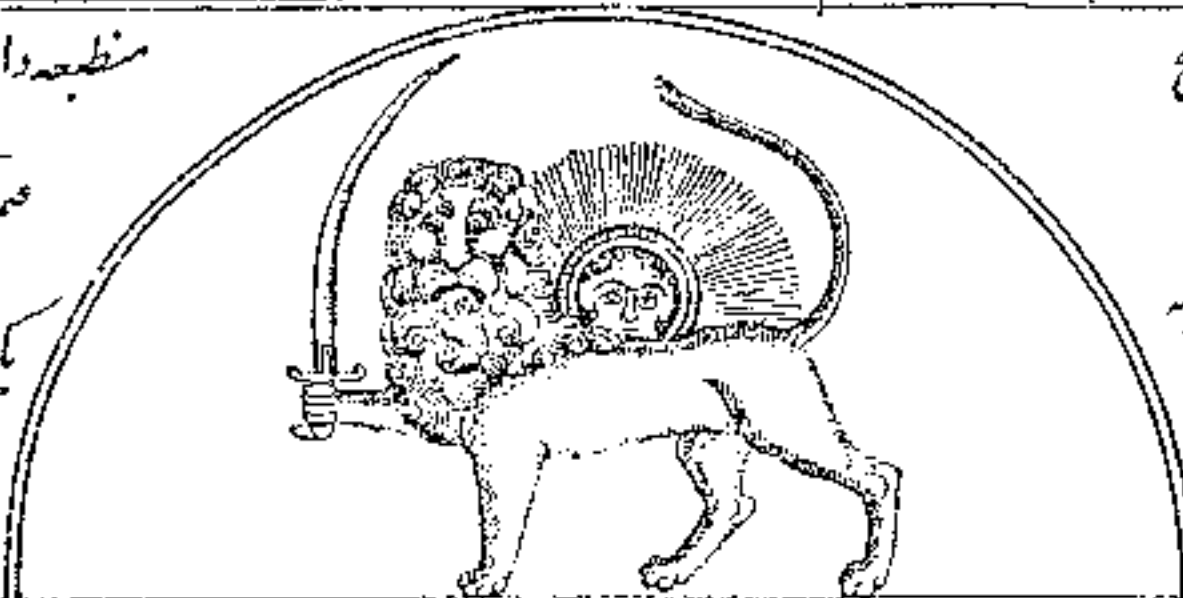
صفتان و چهار هزار

منطبه دار انخلاف طهران

عمیت اعلانات

یک سطر ایچا سطر کهور

بیشتر سطر بخار



## اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

### دار انخلاف طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه گذشته  
بعزم تفریح و کشت اطراف دار انخلاف مبارکه سوار گردیدند  
و تا حوالی عصر بکشت و تفریح آنجا مشغول بودند و نزدیک  
بغروب آفتاب مبارکه سلطانی و مقتر  
سلطنت عظمی جهت فرمودند

ابدیت علیه بجمومت مملکت آذربایجان سرفراز  
شده است با اتفاق مقرب انخاقان سیرا صادق  
تایم مقام که به پیشکاری کل امور آذربایجان سرفراز است  
از شهر دار انخلاف بسباغ نکارستان نقل مکان کرده  
چهار روزه اند و درین روزها حسب الامر عالیون روانه  
آذربایجان خواهند شد

چون فوج سه دهی البواجینی مقرب انخاقان  
سریت نوری بعد از ورود به دار انخلاف مبارکه که از  
نظر انور اعلیحضرت پادشاهی در میدان ارک چنانچه  
در روزنامه مقتضی پیش نوشته شد گذشته بودند چنانچه  
جلالت آسب صدر اعظم فوج مزبور را ندیده بودند  
لهذا در روز دوشنبه بیت و هفتم ماه گذشته در میدان  
مشق خارج دروازه دولت مصحف نظامی کشیدند و  
جناب معظم الیه میان فوج مزبور فرستاده رسیدند  
بانهان بودند و در کمال راستگی و شکوه با طبوس سلجوق  
و سنگش سفید و دستمال سیاه کردن بند بظرف رسیدند  
مقبول و سخن و مورد نوازشات جناب معظم الیه گردیدند

در این اوقات که ایام گردش عبودور است  
حسب القانون این دولت علیه امنای دولت و جا  
در بار عالیون بجهت دید و بازدید یکدیگر از الزام حد  
در خانه معاف و مرخص میباشند و هم چنین افواج  
قاهره نظام نیز درین چند روزه از مشق کردن معاف  
و مرخص هستند که یکدیگر را دید و بازدید نمایند و همچنین  
کسب بازار نیز اغلب دکاکین خود را بسته و مشغول  
دید و بازدید یکدیگر میباشند

در روز یکشنبه بیت و ششم ماه گذشته لوازم  
مستطاب بنزاده و الهی با نقره الدوله فیروز میرزا  
که خیانت نواب مستطاب کامیاب و لعیب دو

۱۰۵۶

و بسیار خوبش کردند و جناب معظم الیه انعام هم  
بآنها دادند

در روز سه شنبه بیست و هشتم ماه گذشته آعلی حضرت  
پادشاهی بیابغ سردار شریف برده و تا حوالی عصر  
بتفریح آنجا مشغول بودند و نزدیک عروب آفتاب  
بارک مبارک که سلطانی شریف فرما کردند

در روز دوشنبه که شته جناب جلالت آیت  
صدر اعظم بیابغ نیکارستان برای دیدن نواب نصره  
و دستور العمل کارهای آنرا بایمان که نواب معری  
و مقرب آنجا تان قائم مقام میدادند شریف برده و  
تا چند ساعت از شب گذشته در آنجا شریف  
داشتند و بعد معاودت نمودند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته  
بودند از حسن مراقبت اولیای دولت علیه و استقامت  
عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان کمال ایش  
و استقامت در آنجا حاصل است و ابدا کسی از دزدی  
و هرزگی نیست و کمال نظم را دارد

### گمر و گس

از قراریکه از بنو لایت نوشته اند کمال ایش در آنجا  
حاصل است و عالیجاه زین العابدین خان حاکم  
گرس در انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک با  
انجام ایش تمام بعمل می آورد و درین ولایت نهایت  
فراوانی و ارزانی و وفور نعمت حاصل است و هر چیزی  
از آنجا در آنجا از آن فراوان است بطوری که کندی

در آنجا خرداری سه هزار دینار خریدارند و بسیار  
اجناس با کولات نیز از همین قرار در نهایت وفور  
ارزانت

### اجبار و ول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از لندن باقی  
این ولایت رسید ششم ماه جمادی الثانی بود و در روز  
سه شنبه دویم ماه فروردین مشورتخانه خوانین و وکلای  
رعایا بحکم در پاریس تحت جمع شده بودند و خود  
علی حضرت پادشاه مشورت خانه فروردین شریف آورد  
و بروی تحت قرار گرفت و در خصوص بعضی امورات دولتی  
بابل مشورتخانه فرمایش نمود و بعد از آن اهل و مشورتخانه  
هر یک در جای خود نشسته مشغول گذراندن امور دولتی  
شدند و از جمله گفتگونی که در مشورتخانه وکلای رعایا  
بود این بود که ملت یهود نیز مثل سایر رعایای انگلیس  
اذن داشته باشند که از آنها نیز و کبلی در مشورتخانه  
دولتی بنشینند و لکن این قرار داد مشورت مخبری نشده است

در دریای اطراف مملکت انگلیس طوفان زیاده بود  
و کشتی زیاده غرق گردیده بود از جمله نوشته بودند که  
از اول ربیع الثانی تا چهارم ماه فروردین دولت و جنب جهان  
کشتی تجارت چه از آنجا را انگلیس چه از آنجا را سایر  
دهل در آنجا غرق شده بود سوای کشتیهائی که در  
امواج بکنار دریا انداخته و شکسته و میجوب نموده است  
و از اول تا آخر ماه فروردین هوا چنان سرد شده بود که هوا  
در چه هوا که دارند شتاء پنجم بود که در مملکت انگلیس هوا

با این طور سرد نشد بود و راهها بطوری برفت و بیخ  
گرفته بود که تردد سیاح بسیار مشکل بود

در بعضی ملوکات انگلیس تجده گرانی نان اعتناش  
شده بود و مردم جمع شده سنگ بجانها و دکانها

خبازان انداخته بودند و در پنجه آنها را بسته بودند  
اما چاکران دیوان رفود اعتناش موقوف کرده

و معصرین را که مصدر اعتناش شده بودند گرفته  
محبوس کردند

تجارت تجار و سفیر کارخانها در ولایت انگلیس  
خوب راه میرفت و معلوم بود که کار خلق تجده رواج

کارخانها و تجارت رو ترقی بود و مالیات دیوان  
زیادتر از سالهای گذشته عاید شده بود بطوریکه

نسبت پسنه ماضیه داخل عایدی دیوان زیادتر  
از مخارج آمده بود

در ششم ماه جمادی الاول وزیر مختار دولت روس  
مقیم لندن از آنجا بیرون رفته بود که بولایت خود

مراجعت نماید

### فصل

تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسیده است دو روز  
ماه جمادی الاول بود و قرار بوده است که در چهارم

ماه جمادی الثانی مشورتخانه دولتی در پای تخت جمع  
وزیر محاسبات انولایت محاسبه سال گذشته

و دستور العمل سال نوزدهم بصورت امپراطور آورده بود  
و جمع و خرج ولایت را بطوری نوشته بود که مالیات

مغایب مخارج راهی کرده و جمع امسال از جمع سال گذشته

زیادتر آمده بود

پرنس ناپلیان که بر وسیله پای تخت مملکت گرفته  
بود در پنجم ماه زبور از آنجا مراجعت پای تخت فرست

نموده است

درین نستان سردار مملکت فرست شد تا  
داشته است و در بعضی جاها رود خانها می که بر کن

کسی بخاطر ندانسته است که بیخ بسته باشند درین  
نستان بیخ بسته بودند آفتی در میان تاک انکور افتاد

بود بطوریکه در بعضی جاها تاک انکور بالمره ضایع شده  
بود که دیگر جمیع فمید استند و تجده همه در می آورده

و در هر کجا که ضایع شده بود رنگ چوبش سیاه  
گردیده بود اما بعد از سرمای شده در نستان دیده اند که

در بعضی جاها که تاک انکور سیاه و ضایع شده بود  
دو باره بر تک اصلی خود برگشته است و چنان دانستند

که شدت برودت رفع آفت از میان تاک انکور کرده  
اند تا کمائی که بر تک اول بسته بود دیگر نماند چون

حاصل زیاد در دست جنوب مملکت وراثت انکور است  
کجا دانستند که این شدت سرما رفع آفت از تاک

انکور کرده و کجا جایهای آنجا نفع نموده باشد

وزیر مختار روس مقیم پاریس نیز در ششم ماه جمادی  
از پاریس بیرون رفته است که بولایت خود برود

تا بین دولتمندان انگلیس فرانس و دوستی و مودت  
تمام بود و در هر سبب و هر جهت مصلحت و مشورتشان

یکی بود و هر دو دولت قشون خود را اعم از قشون بزرگ  
یا سبزی زیاد میکردند



بگوش

از فرار یک در روزنامه پای تخت این مملکت نوشته اند  
 پرنس ناپلیان در آنجا بود و همان پادشاه بزرگ بود  
 و بجهت حرم پرنس مزبور کمال اوضاع و اساس و بنیت  
 در محالها فراموش آورده بودند وزیر مختار فرانسه  
 بر ویست ناپلیان دول خارجه را که در نزد پادشاه بزرگ  
 بودند یکی یکی بخدمت پرنس مزبور آورده و معرفی آنها را کرد  
 بود و در هنگام مراجعت که از آنجا بولایت فرانسه میخواست  
 برود و لوک دو برانت و لیعهد مملکت بزرگسرا پرنس  
 مزبور شایعیت رفته بود ناپلیانی که سوار کالسکه گشته بود  
 دست فرانس را در آن گرفتند

در روزنامه لندن نوشته اند که ولیعهد پادشاه بزرگ  
 در فصل بهار سال بعد که بولایت انگلیس برود  
 و چند ماه در آنجا بماند پادشاه انگلیس

پندگانت

از فرار روزنامه این مملکت قشون آنجا را زیاد میکرد  
 و بسیار سعی و کوشش میکردند که قشون و قورخانه و سایر  
 لوازمات جنگ را حاضر و جمیع نمایند

اسپانیول

درین مملکت چونکه دیدند قاعده مذکره را در آن بجهت خلق که از  
 شهر تا شهر در میان ولایت عبور میکردند باعث اذیت  
 مردم بود حسب احکام دیوان درین روزها موقوف کرده اند

ایضا از مدرو پای تخت اسپانیول نوشته اند که بعضی  
 مردم در آنجا میخواستند از فرانس بگریزند و یکی در آن

نامید چهارده نفر از آنها را گرفته احتیاج بلد کردند  
 ایلمچی فرانس که در حبس کی که همسراه وزیر مختار دولت  
 یکی دنیای شمالی کرده بودند کلوله پایش خورده بود  
 و تفصیل آن در روزنامه سابق ترجمه و نوشته شده است  
 کلوله را از پای او در آورده اند و خوش رو بچوبی بود

از سایر ممالک فرنگستان روزنامه درین مقدمه آمده است  
 و از فرار یک می نویسد زمستان در آن صفحات بسیار  
 سخت شده بود و طوفان زیاده و در روی دریا شده  
 بود و بسبب طوفان مزبور کشتیهای بسیار غرق گشته

شدند مال التجاره زیاده تلف شده و مردم زیاد  
 آب غرق شده بودند و هم چنین در خشکی بسبب شدت  
 برف تردد کالکه در راه آهن بسیار مشکل شده بود و در دست

بعضی ممالک غربی فرنگستان بجهت کم شدن آذوقه و خصوصاً  
 غله تنگی و عسرت می کشیدند از مصر که جای غله خیر بجهت  
 بعضی ممالک فرنگستان است قدغن شده بود که غله بیرون  
 نبرند و چونکه بعضی ممالک فرنگستان در سالهای که حاصل  
 ولایت خورشان کفایت خوراک خلق نمی کنند نیاز درون غله

از مملکت به باعث ترسی جنس در بعضی ولایات آن قسمت بود  
 و بسبب دیگر کران شدن غله این بود که دریای پارس  
 بیخ بسته بود چنانکه در هر زمستان بیخ می بندد و تا فصل بهار  
 بیخ آنجا باز نمی شود که غله بار کرده در کشتیها سبانی که لازم است  
 ببرد و لکن چونکه دریا درینکی دنیای شمالی بیخ نمی بندد و در تمام  
 کشتی در آنجا کار می کند غله از آنجا می آورند امیدواری بزرگی

۱۰۵۹

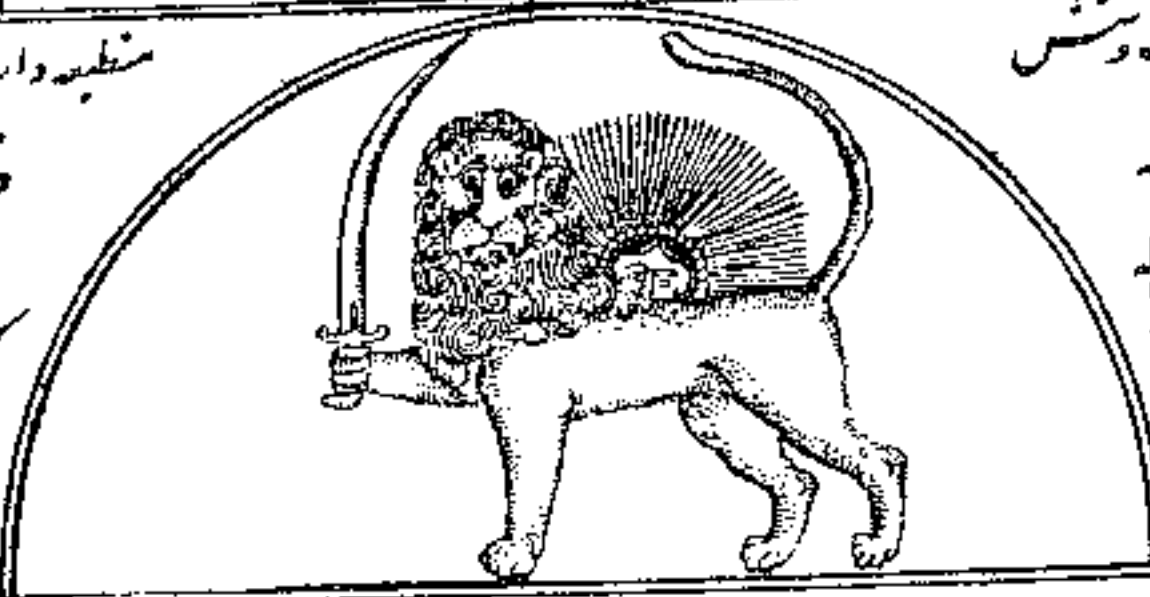
# روزنامه قایم انقاید تبایخ یوم چه ششم ماه رجب المرجب سال یازدهم سنه ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و شش

قیمت روزنامه

یک سنجی به بر کمال

هفتاد و چهار هزار



منظومه دار الحکلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الی چهار سطر یک چهارم روز

بیشتر با هر سطر یک روز

## اخبار و داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دار الحکلافه طهران

در روز سه شنبه هفتاد و شصت که اعلیحضرت پادشاه بیاض امیر الامراء العظام سردار تشریف بردند حالیکه همیشه از آمدن امیر الامراء العظام مشارالیه از جانب او تقدیم پیشکش و پای انداز و قربانی و ضیافت نمودند و لوازم خدمتگذار پر معمول داشت و خدمات او مستحسن مقبول خاطر ملوکانه افتاده اظهار عنایت و التفات خسروانی نسبت ببردند و فرمودند و بعد از صرف چای و عصرانه نزد یک غروب آفتاب مبارک سلطانی معاودت نمودند

چون نیت پاک و فطرت تابناک هایدون اعلیحضرت پادشاهی پیوسته طالب سبایش و ارتش کاف و عبادت لند باجلی سیوریات گرفتن در منازل عرض راه و اندک موقوف فرمودند خواه صد نفر یا پنجاه نفر یا پنج فرج یا زیادتر هر قدر قشون مامور می شود او لیاقت دولت قاهره حکم فرمودند که از هر دلاخی بولایتی میرود حاکم آن ولایت منازل عرض راه را حساب کرده قیمت سیوریات قشون ماموره را بسنجد و وجه نقد از بابت مالیات آن ولایت بدیه که دیگر در منازل عرض راه در هیچ جا سیوریات مطالبه نمایند

در روز یکشنبه چهارم اینچاه که روز سیزدهم عید بود چون قانون این دولت علیاست که عموم خلق بکثرت و تفریح باغات و باقیین میرود لند اعلیحضرت پادشاه بیاض دولت آباد که در کسب شاهزاده عبدالعظیم است تشریف فرما گردیده تا حوالی عصر در باغ مرزوبوعیش و بعد ببردند و نزدیک غروب آفتاب مبارک سلطانی مراجعت فرمودند

چون روز سیزدهم شهر رجب المرجب موافق احادیث صحیحین مولود جناب ولایت آیت مولی المتقین امیر المومنین علی السلام و تا بحال احترام این روز سعید ظاهر امری و منظور نشده بود و لوازم عید را در این روز بعمل نمی آورند و در بواجن سلیمان و مومنین مستور و کتوم مانده بود لند اعلیحضرت پادشاه نظر با تقضای نیت پاک ملوکانه چنین امر و مقرر فرمودند که سیزدهم ماه فروردین سال در سبیح ممالک محروسه پادشاهی

عید بزرگ قرار داده مثل سایر اعیاد بتبیه جشن و شادمانی  
شود و بجمع حکام ولایات ممالک محروسه حسب الامر  
فصحا این شرف صد و یازده ارسال شد

چون نواب مستطاب میرزاده والا بنام مویه الدوله طاب  
حکمران مملکت فارس در انتظام و انضباط امور آن  
و نظم کرسیات و منع و اخراج متهمین بندر عباس  
و قلعه کبیر خصوصاً لازمه مراقبت و اهتمام را بعمل آورده بود  
و مراتب خدمات نواب سعیدی الیه زیاده از اندازه  
و مقبول خاطر حضرت پادشاهی افتاد لهذا  
محض رحمت یک قطعه نشان تمثال هائون کلل با لباس  
که بالاترین نشانها و اجل عطایاست بافتن نواب سعیدی  
مرحمت و عنایت فرمودند و از اینقراریز در باره سعیدی  
در خدمت بندر عباس و آیدای بر آنجا و قلعه کبیر  
و جلالت ظاهر کرده بودند منصب خلت نشان  
گردید

عالیجاه لطفعلی خان سرپن فوج قفقازی که در نتیجه بندر  
عباس با فوج بود نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو  
مرحمت شد

امیرزاده ابوالقاسم خان سپه نواب موند الدوله که در  
قشون سرداری مامور بود و بسیار اهتمام نمود منصب سرتیپی  
برقرار و نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو مرحمت شد

عالیجاه نصرالدخان سرهنگ فوج کلپایگان که در بندر عباس  
خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز شد و یکتوب جیه  
برسم خلت مبارک اید مرحمت گردید

عالیجاه رضاقلیخان سرهنگ فوج عرب شیرازی چون  
در تصرف قلعه کبیر خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز  
گردیده و یکتوب جیه برسم خلت مبارک اید

عالیجاه عباس خان غلام پیشخدمت چون در بندر  
عباس و نظم آن صفحات خدمت کرده بود یک قطعه  
نشان از مرتبه دوم سرتیپی بافتن اید

عالیجاه امامعلی خان سرهنگ فوج کرمانی که در خدمت  
قلعه کبیر اهتمام نموده بود نشان و حایل از مرتبه اول  
سرتیپی باو مرحمت شد

مصطفی خان تسکی که در بندر عباس خدمت کرده بود  
یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی باو مرحمت شد

مصطفی قلیخان یوزباشی نیز که در بندر عباس  
خدمت کرده بود با عطا یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتیپی  
باو مرحمت گردید

مصطفی خان بیک نایب اول توپخانه که در بندر عباس  
بود منصب سلطان توپخانه سرافراز شد

عالیجاه میرزا نعیم شکر نویس چون در قلعه و فتح طایفه  
صالحه بابیه نیز اهتمام نموده و با اینکه از ارباب علم است  
کمال رشادت و جلالت عمل آورده آنها را بجای فتح  
واقع نمود لهذا یک قطعه نشان و یک رشته حایل  
از مرتبه اول سرتیپی در حق او مرحمت شده و بموجب  
اوامر هم موافق مواجب سرتیپان مرحمت فرمودند

چون نواب مستطاب عماد الدوله امامعلی میرزا حکمران  
کرمان نشان در انتظام و انضباط امور آن ولایت

۱۶۶

۱۶۶

عراق عجب است مسواره کمال است تمام را بجز آن  
محاسن خدمات نواب معزی ایستحسن و مقبول  
پیکاه حضور با هر الموز جان افشاده نماند محض  
مرحمت یک قطره نشان از مرتبه اول میرنچی کی  
با یک رشته حایل سرخ و سفید که مخصوص این مرتبه است  
با فخر نواب معزی الیه رحمت و عنایت فرمود

در روز سیزدهم عید که عموم خلق سینه تفریح بیرون  
سهر و باغات و باغین رفتند از دحام داشتند  
از اتهام و احتساب انسانی دولت علی از احدی  
خلافی شنیده نشد در ازمنه سابقه در چنین روزها  
بی آن نمی شد که در میان جهال و او باش اعدا  
زراع و شرارتی نشود لکن در این ایام فیروزی ارتسام  
قدرت حرکت خلاف ندارد بطوریکه با آن همه جمعیت  
و کثرت مردم در بیرون دروازه و باغات و سبزی  
از احدی صدائی که مسبب برزاع و شرارت باشد  
بلند نشد بود

افواج قاهره نظام ارتوپچی و سرباز و سوار نظام  
هر روز در میدان ارک و میدان مشق خارج دروازه  
دولت مشغول مشق نظامی می باشند و محلیین و صاحبان  
نهایت احترام در مشق و انتظام امر آنها دارند و بعد از  
فرغت از مشق افواج قاهره طرف عصر نیز هر روز  
صاحب منصبان افواج در میدان مشق خارج دروازه  
دولت مشغول مشق و تعلیم قواعد نظامی میباشند  
در روز سه شنبه گذشته دو نفر دزد که یکی از آنها سابقاً

۱۰۶۲

در خانه نواب فرمان فرما وزدی کرده و گرفتار شده  
یک دست او قطع شده بود و درین روزها باز مصد  
سرفت کرده بود و یکی دیگر نیز سابقاً در قریه کن  
سرفت شده و الاغی در آنجا در زیده بود و دست آمده  
و یک دست او نیز قطع گردیده بود و درین روزها باز در خانه  
وزدی کرده و دست آمده بود لهذا در روز مزبور هر دو  
بمرض سیاست در آمده حسب الاشارة العلی حکم نمود  
ستطاب شاهزاده و الایثار و شیر میرزا حکمران  
و از اختلاف طهران و توابع دستهای دیگر آنها را نیز قطع  
نموده و چهارشان نموده در کوچه ها و بازارها گردانده و در  
اجزای بلد نمودند

### سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه این ولایت  
نوشته اند امیرالامراء العظام مقرب انخافان سردار کل  
در انتظام امور آن ولایت در غیاب نواب نصره الدوله  
نایب الایاله آذربایجان کمال احترام دارد و مقرب انخافان  
جعفر قلیخان میرنچیم که حسب الامر تصدی امر نظام آنجا  
ما مور شده است در لوازم خدمت محوله تمامی احترام  
دارد و همه روز در اطاق نظام نشسته مشغول امورات  
نظام است و خلعتی هم که سابقاً با او مرحمت شده بود  
رسیده لازم توفیر و احترام را بجهل آورده است و برای  
تعمیر و احترام خلعت هر طاعت پادشاهی جمیع اعیان  
صاحب منصبان در روز خلعت پوشان مشارک  
حاضر شده اند و تعینت و مبارکباد و خشنودان  
گفته اند

بهان

از قرار یک در روزنامه دوران نوشته بودند امر آنکه در  
کمال نظم وارد و عموم مالی آن ولایت از مجتهدین و علمای بعد از  
وصول زمان مهرلعان که در خصوص قوفی جرایم عراضه  
یافته بود کمال شکر که از راجل آورده و بدعا کوفی ذات  
اقدس جاپون و دعای دوام دولت روز افزون قیام  
و اقدام نموده اند

دیگر نوشته بودند که زخ اجناس و مالکولت آنجا از  
مردم در کمال رفاه و آسودگی گذران می نمایند و  
امیر محمد خان محمد الملک در نظم امر و ولایت در  
بکار رعیت منتهی اهتمام را دارد و در رفع هرزگی و حجاب  
کمال وقت را بعل می آورد و اگر کسی مصدر شرارت و حلا  
حسابی شده باشد فوراً در مقام تنبیه و تادیب آن

برمی آید  
کسیلان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند بعد از  
موقوفی جریده در جهان با بنجاسم رسیده است در  
جامع خوانده و مضامین آن را که مشرب کمال رافت و حمت  
ملوکانه در باره عموم رعایا و برای مالک محرومان  
که شش زد خاص و عام کرده اند و کمال امید واری برای  
امالی آنجا حاصل شده و این حکم معدلت این بنیاد  
شکر که اری و دعا کوفی را بعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب اخاقان عیسی خان دایلی  
در نظم امر و ولایت انجام خدمات دیوانی و تحصیل  
آسودگی رعیت نهایت اهتمام را دارد و بجز این مردم وقت

ورسیدگی تمام عیال و کمر اتقاق می افتد که از کسی غفلت  
حساب و شرارتی ناشی و صاوری شود و مردم در کمال  
آسودگی و فراغت مشغول زراعت و رعیتی خود و دعا کوفی  
این دولت علیه بیاید

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند امیر الامرای  
محمد حسن نمان سردار حکمران یزد و کرمان بعد از وصول  
زمان مهرلعان مبارک که در باب موقوفی جریده در  
شرف صد در یافته بود در دادس منابر و صد مساجد  
زمان مبارک را داده است خوانده اند و عموم مالی بلده  
و بلوکات کرمان از صد و این حکم جاپون نهایت شکر که  
و دعا کوفی را بعل آورده اند و زیاده مشوف و امیدوار  
بخواه این دولت پایدار گردید

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در کرمان باد سختی  
وزیدن گرفته است سجده که بقدر زرع از بدنه شهر  
که در وازه سلطانی باشد خراب کرده است و در کمال  
در او آخر مبدل بفری بوده است

یزد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند چنانچه در روز  
سابق نیز نوشته شده روز در دارالعباده یزد چنان  
سر بای سخت شده است که آنچه سردرختی بوده است  
سرمازده است و درین سه روزه سجده می شود و بود  
که مردم قوه بیرون آمدن از خانه ها مشغولیت بکار و کسب  
مردمان محمد آن بلده بکفایت اند که تا بحال باین شهرت سر  
این ولایت بنیده و بنجا طرند بریم

### اخبار اول خارجه

**فرانس** در زمستان گذشته چنان برف درین ولایت آمده بود که در راه آهن مابین سنتر بوزنخ و پاریس تا مدتی تردد نمی شد و در بعضی جایها نظام در آورده بود و برف را بهار پاک می کردند که کاسه تردد نماید و نیز بلون وین یکدفع و نیم برف داشت مابین شهرهای رین و یوزس تردد مشکل بود اما این بیش از شش روز نگذشت

### ایتالیایا

در بعضی روزنامه های این ولایت نوشته بودند که چند پیش ازین مکان بود که قشون فرانس را که در دستند یا کمتر نمایند یا بجای از آنجا بردارند بعد معلوم شد که این گفتگوها بی اصل بوده است و قشون فرانس را در روم کم نگرداند بعضی اقواج اخبار اعوض کرده اند و همان قدر قشون که در آنجا داشتند باز دارند و در زمستان گذشته معلوم شده بود که بعضی از اهل آنجا باز بنیای برسم زدن دولت پایار داشتند بعضی شان خیال داشتند که پاوشا بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا در زیر حکومت یک پادشاه باشد و بعضی هم خیال این را داشتند که در آنجا دولت جمهوری برپا شود و آراهی منصفین مخالف یکدیگر بود بسیاری ازین مردم را گرفته حبس کرده اند و اکثرشان از چاکران دیوان و اعیان عمده آن ولایت اند و معلوم شده است که در هر حال دولت فرانس قشونی که در آنجا دارند کمتر نخواهند کرد

### اسپانیول

از مدتی پای تخت اسپانیول نوشته اند که درین زمستان گذشته هوای آنجا بشتی سرد و سخت شده بود که آبها یخ بسته بودند بطوریکه مردم بروی یخ عبور میکردند و یخ و این طور یخ بندان در آن ولایت بسیار جای تعجب است اکثر ولایات اسپانیول کمر سپرد و جای بمل آمدن مرکبات خوب و میوه جات کمر سپردت و اما ای آنجا اینگونه سرما در آن ولایت هیچ سالی نجا طر نداشته اند

### سینکی دنیای شمالی

مملکت کلی فارسیا دست است یکی کلی فارسیای علیا و یکی کلی فارسیای سفلی و کلی فارسیای سفلی و کلی فارسیای علیا حالا بر حسب عهد نامه که دارند در دست دولت سینکی دنیای شمالی است اتفاقا هر دو در دست دولت گیسگو بود حالا همان کلی فارسیای سفلی در دست دولت گیسگو ماند است در این اوقات چند نفر از اهل سینکی دنیای شمالی خود سرو بدون اینکه دولت از اراده آنها با خبر باشد رفته اند یک قصبه از کلی فارسیای سفلی را گرفته و تصرف کرده اند و بنا دارند که این ولایت را از تصرف دولت گیسگو بیرون بیاورند که با دولت جمهوری جداگانه بشود یا جزو سایر ممالک سینکی دنیای شمالی باشد خود امنای دولت سینکی دنیای شمالی ازین عمل محال گرفته اند و لکن در رعیت که اهل آنجا بی اذن دولت انقدر با آنجا بردند که شکست با این ملک داده آن ولایت را دولت جداگانه بکنند و از اینهم ترس دارند که اهل گیسگو بان چند نفر که با آنجا رفته اند غالب آمده آنها را بپاک نمایند آنوقت اهل سینکی دنیای شمالی با آن ولایت هجوم آور شوند که دولت

بنکی دنیای شمالی تواند جلواتحار بگیرد

از هر سبب کار اهل بنکی دینار و تفرقی بود مردم ولایت  
و نکتان که نسبت بوست ولایتان آبادی جمعیت زیاد  
و از بسیار بناولایت روشنی میگیرند و جایجانی را که  
آبادی نه است آباد و دایر میکنند و آوردن طلا هم از  
کلی قاریها سبب دادوستد زیاد و رواج تجارت و آبادی  
این ملک شده است اگر چه اکثر این طلا در آنجا میماند

و روانه ملک انگلیس میشود

احوال آن مملکت

شخصی در شهر نیویارک شیر و بقر تربیت کرده بود و با  
آنها بازی میکرد و یکی از آنها را بیرون آورده بود و  
آن شخص را بر زمین زده و سینه او را بندان گرفته بود  
شیر که در آنجا بود بروی بپرید که نگذارد پنجه نسبت بر  
انداخت عوض اینکه پنجه او بر بیکر و بان شخص گرفت  
شیر بان و بیکر او را افسس پرورن کشیده و حلال کرد  
و این شخص مجروح بسیار تعجب میکرد از بقر که این حرکت  
نموده بود چونکه خیلی خوب تربیت شده بود اما چون  
بود که او را بیرون نیاورد و بود کمان میکرد که از زمین  
زیاد و روشنائی چراغ متوحش شده و با تقضای طبیعت

سبب این حرکت را کرده باشد

حساب کرده اند که کل آدمهای سرخ رنگ که اهل قاره آمریکا  
شمالی هستند بیشتر از چهار صد هزار کس نیستند و از آنها  
هیچکس نیز از فرد در سمت شرقی رود میسیسیپی مستند در جا  
که حالا اولاد فرنگها استجار آید و همور کرده اند و چنانچه  
در آن صفحات اولاد فرنگها سال بسال زیاد می شوند

اولاد اهل قدیم آنجا سال بسال کم میشوند

از جمله حیوانات غریب که در مملکت استرالیای پیدا میشود  
از قسم طيور مرغهای بسیار غریب یافت میشوند از آن جمله  
الوان طوطی زیاد است و کوشان نیز بسیار با کول و لوبه  
و بطوری زیادند که یک صیاد با تفنگ در دو ساعت  
میتواند بیست سی طوطی بزند و قوسی نیز از طوطی بسیار کوچک  
زیادند که رنگشان زرد است و کامل دارند و اینها بقصد  
زیادند که ضرر کثی بجای آنجا میسازند و بسیار هم چو  
و مترصد شکارچی و شکارچیان آنها را با شکار میتوانستند

فامینه

شخصی در مملکت فرانسه یک پل سیاه که دو شاخه است  
او بود برده بود و در دکانی که چیز خردی بکشد شخصی دیگر که در آنجا  
بود از دستک و ترکیب این پل خوش آمده بود و دیده بود  
که سکه قدیم است و دو شاخه داده و خریدار بود بعد برده  
رسیدگی کرده بود فهمیده بود که بطور قابل ملاحظه ساخته اند و چیزی  
دیگر در میان او تعجب است وقتی که گشوده بود دیده بود  
که در میانش اشرفی است که از ایام لوی پانزدهم  
پادشاه مملکت فرانسه تاریخ دارد و چنان اشرفی را  
در میان پل سیاه تعبیه کرده بودند که فهمیدنش مشکل بود  
بسیار فکر کردند که ابا این عمل کیت بعضی چنان کمان کردند  
که در وقتی که پادشاه فرانسه مجوس با عیان بود کسانی که  
طرف گیری پادشاه را میکردند با نظر اشرفی در میان پل  
سیاه کرده و برای او میفرستاده اند و بعضی دیگر چنان  
میدانستند که در ایام سلطنت ناپلیان اول که اولاد پادشاهان  
قدیم فرانسه ادعای سلطنت آن مملکت را می کردند بطور

پول میفرستاد و سچد آنها که طرفه اری اولاد پادشاهان  
قدیمه امی کردند و بافتون ناپلیان جنک می نمودند

که در زمین چاه می کنند از نیت ذرع تا مین و پنج ذرع  
و بعد از آن خاک او را که در آورده اند بشویند و طلا را از  
مان آن خاک در می آورند

سختی در نیویارک یکی دینار در اطاق خوابیده بود ناگاه صد  
افتادن ظرف چینی از اطاقچه به اطاق بکوشش خورد چراغ  
روشن کرده دید که ماری بالای اطاق رفته و گردنش در میان  
حلقه کوزه که در آنجا بود بطور غریب گیر کرده است بالای  
سخم مرغ بود یکی از این تخمها را مار خورده بود بعد گردش را  
از حلقه کوزه که زانده و تخم دیگر خورده بود چون سخما  
بزرگ بود در آن حلقه کوزه رد نمی شد در آنجا بند شده  
و نتوانست بپرد که در آن خورد از حلقه بیرون بیاید

در جنگلهای کلی فارسیا بست که مستان که از نقتاد ذرع  
تا شش ذرع ارتفاع دارند قسی از درخت سر و بسیار  
و دایم برشان سبز است و شت ذرع قطر آنهاست  
پوست این درختها را در بعضی جایها یکپارچه در آورده و شب  
سخت فرستاده و برده در آنجا اطاق ساخته اند و درخت  
دیگر نیز در آن جنگلهای افتاده و میانش خالی بود و چنان  
بزرگ بود که یک سوار با اسب از سر تا سر و جنت سوار  
عبور کرده بود کسی که سرش از استجار و از آن چنان  
میدانند که این درختها سه هزار سال عمر کرده باشند

در بعضی جایها در مملکت انگلیس وقتیکه ماهی صید می کنند  
او را وزن نموده و حلقه باومی اندازند و نشان کرده باز  
بیان آب را می کنند و تاریخ گرفتن ماهی را با نشان  
یا داشته می کنند یکی ازین ماهیها از قسم قزل آلاک  
گروه بودند بکیر آمد بود که سه هفته پیش ازین گرفتار بودند  
و قتی که کشیدند و زرش میت و مفت سیر بود و سه هفته  
پیش از آن که کشیده بودند و زرش باز زده سیر بودند  
شده بود که در مدت سه هفته باز زده سیر زیاد شده  
مردمی که درین روزها از استرالیان مملکت انگلیس آمده اند  
میگویند که کمان است معدن طلای استرالیان تا چند سال  
دیگر بهین طور متعنت ناپیدگی از این اشخاص نزدیک است  
طلا داشت و سایر مردم نیز که در آن کشتی بودند همه کم و  
طلا داشتند و در میانشان کسی که از ده هزار تومان کمتر  
طلا آورده باشد نبود و قسم طلا در آوردن آنجا این است

در مملکت مصر درین فصل زمستان آب رود نیل چنان  
بالا آمده بود که قدری از راه آهن را که در آنجا ساخته اند  
آب فرو گرفته بود حال راه فرور را بلند تر می سازند و میل  
و و پاره در آن راه میگذرانند و کمان بود که تا اول فصل بهار  
که این اوقات است سچد تر در د خلق متعجب باشند  
از اسکندریه مصر تاریخ سیم ربيع الثاني نوشته اند  
که چون بنا داشتند که نهر محمودیه را تعمیر نمایند تا چن  
کشتی از آنجا عبور نمیکرد و بایست از نیت نهر دیگر بود  
کشتی بخار فرانس نزدیک شهر اسکندریه بنک خود  
و عرق شد و کشتی فرور از غلگ شامات با اسکندریه می آید  
هو بسیار طلایم بود و باد و امواج خود ولی بخار و مید هو را  
چنان نار یک کرده بود که راه پیدا نبود و قتی که کشتی بنک  
خورد سبحان بار خود را از کشتی بیرون آوردند اما با تجارت



که در میان کشتی بودند نتوانستند بیرون بگریزند بسبب  
درین بین طوفان شد و کشتی پارچه پارچه گردید

بجهت زیاد شدن قیمت هر یک به تومان بیست و شش  
میرود و از آن جهت کجا ن مست که بیشتر کوفتند را در این  
ولایت بجهت خوراک بی فروشند و کمتر آنها را بجهت ششم نگاه میدارند

جماعت اطباء و مملکت انگلیس در خصوص مردم آنجا که جنگها  
یا از ناخوشیها میمیرند یا بنظر نوشته اند که در بیست و یک  
سال نوزده هزار هفتصد و نود و شش نفر در جنگ کشته شدند  
و هفتاد و نه هزار و هفتصد و نه نفر زخمی که از وزارت سالی شصت و  
نود و نه نفر کشته و سه هزار و شصت و بیست و سه نفر  
زخمی میشوند و در و بای چهار و ده سال پیش ازین در مملکت  
انگلیس در دو سال هشتاد و دو هزار و یکصد و شصت و نه نفر زخمی  
و یکصد و چهل و چهار هزار و سیصد و شصت نفر ازین ناخوشی  
گرفته اند از آنجا که در میان ناخوشها که با گرفته بودند  
کار میکردند از هر صد نفره و از ده نفر طلبیب میبردند و در

در شهر فری بوزج که شهبست در یکی از ممالک کوچک  
چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است گفتگونی بود  
با بین کشتیان آنجا و دولت چند نفر از کشتیان را گرفتند  
و محبوس کرده اند و این گفتگو هنوز در میان است  
بعضی مردم در سایر ولایات که هوا خواه و طرفدار کشتیان  
هستند پول جمع می کنند و بجهت آنها میفرستند و لکن کارکنان  
دولت در عمل خود سخت سیاده و نظم سخت داده اند  
و بر کشتی که خلاف حکم دیوان می کند او را فوراً گرفته و محبوس

بنمایند

بعضی جاها از هر صد نفر طلبیب میبردند ازین جاها  
معلوم میشود که ناخوشی و با خنثی بیشتر از جنگهای عظیم  
مردم را تلف میکند

انتقاش جزئی که در بعضی جاها ای مملکت پیدا مانده  
خصوص کرالی مان شده بود از فرار روزنامه آخر که از  
این ولایت آمد تمام گردیده بود و مشورتخانه آن ولایت صحیح  
شده بودند و در هر امر نظم تمام داشتند

اعلانات

از جمله حاصل زیاد و تجارت عمده مابین مملکت استرالیا  
انگلیس ششم کوفتات در دو سال پیش ازین در یکسال  
بسیجده هزار پوند بوزن انگلیس ششم از استرالیا با انگلیس  
آورده اند و در سال گذشته بیست و یک هزار پوند و هفت  
انگلیس شش سیر بوزن ایران است اگر چه درین سالها  
ترقی کرده است اما کجا ن دارند که بعد ازین انقدر ششم  
ولایت انگلیس نیستند بسبب اینکه قیمت کوفت در این  
ولایت درین سالها خیلی زیاد شده است اول کوفت در  
خبر را در آنجا یک تومان و در وازده هزار میفرستند حال

کتابهای چاپی و از اختلاف طهران که در کاخخانه حاجی عبدالحمید با سنجی  
محلله نزدیک دروازه دولایت عطا شده از این قرار فرود خسته میشود  
خسته نظامی بیست و چهار  
سرای دو تومان  
زبده المعارف دو تومان  
معراج السعاده یک تومان  
حدیقه السیاحه هشت هزار

۱۰۶۷

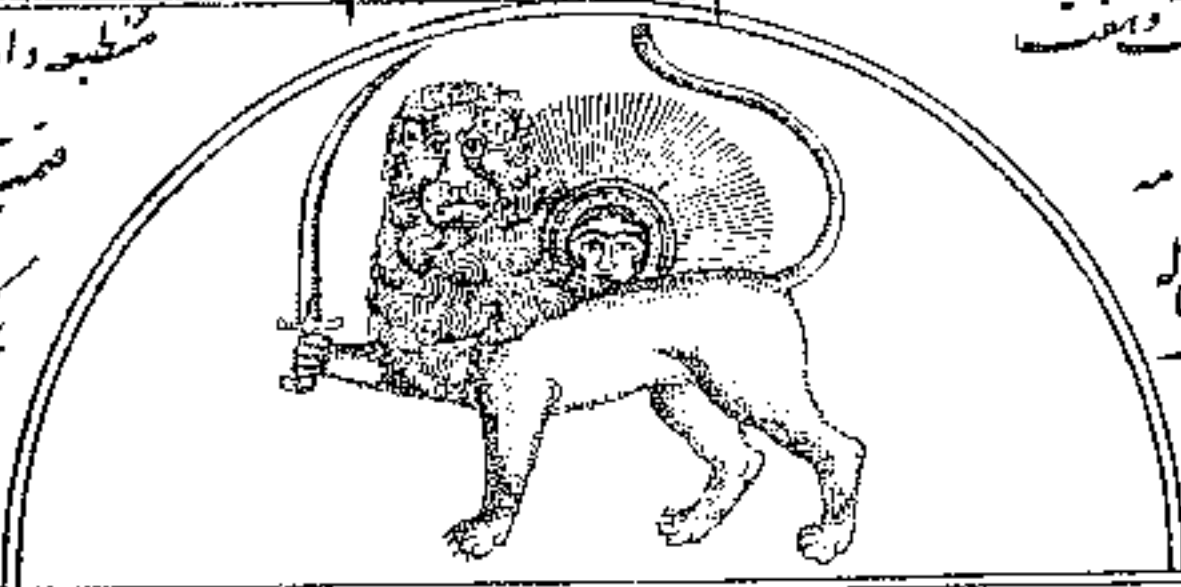
# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچشمینا هفتم جمادی الثانی سنه ۱۳۱۳

نزد صد و شصت و هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه ده تبریکه

هفتاد و چهار هزار



مستطبه دارالخلافه طهران

صفت اعلانات

یکسره اجبار مطبوعه

بسیار بهر طریقه

## اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

### وارا تخلافا طهران

در روز پنجشنبه ششم اعلیحضرت پادشاهی بسبب ظهور ووزغایت ملوکانه دربار و جناب جلالت نائب صدر اعظم بخانه ایشان تشریف فرما گردیده جناب معظم الیه و جناب نظام الملک نایب صدارت عظمی و شخص و تیم دولت علیه ایران تقدیم پای انداز و قربانینها و پیشکش مقدم بمایون را بطور شایسته نمودند و آنروز اعلیحضرت پادشاهی بنهار اورخان جناب معظم الیه صرف فرموده جمیع اعیان و مقربان دربار بمایون و میران پنجه و سایر صاحب منصبان نظام در ضیافت جناب معظم الیه بودند و نهایت تکلف و اوصاف بعمل آمده بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت و بعد از صرف چای و عصرانه ببارک مبارک که سلطانی معاودت فرمودند در روز شنبه نیز رسم اینچاه که روز عید مولود جناب ولایت نایب امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود چنانچه در گذشته اشعاری باینمطلب در روزنامه شده بود که این عید عزیز که روز جوزسندی و شادمانی عموم اسلام خصوصاً

افغانی دولت علیه ایران است در خمار مسلمین و مؤمنین محقق و کتوم بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی باقتضای کمال ارادت بنجاب ولایت نایب این عید را مانند سایر اعیان و بزرگ و مالی عید مولود جناب حاتم الانبیاء فرار وادند و شب آنروز را اساس حسن در چراغان و آتش بازی و در حضور مبارک فراموش آوردند و آنروز را اعلیحضرت پادشاهی در دیوانخانه بزرگ بار سلام عام داده و تخت مرمر را بوجود بمایون ریب و زینت بخشودند و امنای دولت علیه و چاکران حضرت کرد و نایب سینه و میرنچکان و صاحب منصبان نظام و سایر اهل سلام باقتضای سلام عام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده و خطیب ادای خطبه بلیغ و تهنیت عید گفته و در میدان ارک افواج قاهره نظام از توپچی بزرگ سر تا سر میدان صفت نظامی کشیده و اجرای شایسته توپ و زنبورک بقرار یک در سایر اعیان متداول گردیده و اهل سلام بتهنیت عید و ظهور مراسم ملوکانه شاد کام شدند و بعد از انقضای سلام عام اعلیحضرت

۱۶۸

پادشاهی بجزارت سردرب در آنجا مبارک که  
شرف میدان ارک است شریف فرما کردید و عموماً  
خلق و اراخلاف از صغیر کبیر بجهت زیارت وجود هابون  
در میدان ایک و بالاخانها و باهای میدان جمع  
کر دیده آرزو را بر سر و دمانی بسر برد

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی  
عزیزت کشت و تفریح اطراف دارالخلافه مبارک را که در  
ایام بهار صفا دارد فرموده سوار شدند و تا حوالی عصر  
مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بمجلس سلطنت عظمی  
مراجعت فرمودند

نظر بظهور مراسم ملوکانه در باره مقرب الخاقان حاجی علیخان  
حاجب الدوله و اعتلای مزاج او درین اوقات که حسن  
ایتمامات اصدقت مقرب الخاقان مشارالیه در خدمت  
موجوده مشهود رای قدس هابون گردیده و مستحسن  
افتاد لهذا یک قطعه نشان از زینب سیرسی با حایل مخصوص  
این مرتبه با افتخار او عمت فرمودند و فرمان هابون  
مبارک رسم درین باب بشرف صدور یافت

در روز چهارشنبه گذشته نواب مستطاب شایسته  
نصرت الدوله فیروز میرزا نایب الایاله اذربایجان با اتفاق  
مقرب الخاقان میرزا صادق قائم مقام از دربار هابون  
روانه اذربایجان گردیدند

در روز دوشنبه دوازدهم اینماه نواب مستطاب شایسته  
والا با حشمت الدوله همزه میرزا که از اذربایجان احضار  
بدربار هابون شده بود و در دارالخلافه طمان  
گردیدند

درین ایام ازین اقبال و توجه اعلیحضرت پادشاهی و ایتمامات

اولیای دولت قاهره طرق و شوارع ممالک محروسه  
همه جا امن منظم و قواول خانها منضبط و مستحفظ  
بمحافظت راهها مشغول و قوافل و سرودین با کمال اطمینان  
و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند خصوصاً از راههای  
خراسان که درازند سابقه خبره سری طایفه ضالان

سجدی بود که از ولایات نزدیک حتی قم و کاشان آمد  
تاخت و تار میگردند و اسیر میگردند درین اوان فیروزی  
اقران دست تقدی این فرقه ضالان کوتاه و پای جلاد  
تا حد و مرور برسد و اگر احیاناً بعضی از آنها باقتضای  
شرارت فطری بسر راههای خراسان بیایند مستحفظین

و اولان طرق و شوارع که پیوسته مترصد اند فوراً بمقام  
دفع آنها برمی آیند از جمله نوشته بودند که درین اوقات  
جمعیت این طایفه بسر راه قافله و زوار خراسان بفرم تاخت  
و دست اندازی آمده بودند عالیجاه مطلب خان لشکر اراخان  
که حسب الامور هابون بسر کردگی سواره و پیچی داری و نظایم  
و عیب و عجب منضوب و محافظت آن راهها مامور شده  
شده با نوکر عرب و عجم بقابله شتافت و کشت با آنها و

ده نفر از ترکمانان را که در جنب کشته شده اند سر فرود  
و چهار نفر نیز زنده دستگیر کرده اند تا بقی سرخوش و راه  
پیش گرفته فرار برقرار اختیار نموده اند عالیجاه مطلب خان  
ده نیزه روس منجوس معتولین را پدیدار هابون فرستاده

بود و درازا این خدمت یک قطعه نشان سیرکی سینه  
مشارالیه و چهارده قطعه نشان نقره برای چهارده نفر از  
نوکران نوکر در حجاب ترکمانان شادت و جلالت محل آوردند

بودند با انعام ملوکانه القات و انعام کرده

۱۶۹

سایر ولایات

نظر بطور مرحمت لمو کانه در باره مقرب انخاقان فرمودند  
 ایشیک آقاسی باشی و ایتفادات و در خدمات محوله  
 بخود حضورت و نظم و ترتیب انقاد سلامهای عباد  
 که خدمات او مستحسن و مقبول خاطر مایون افتاده لهذا  
 درین اوقات یکملا و شال تر کیشیری بر رسم خلعت  
 بافتخار مقرب انخاقان شار الیه رحمت و عنایت  
 فرمودند

چون مهدیخان که صاحب جمع و جود صرف جیب مبارک بود  
 درین اوقات مرحوم شد و عالیجا مقرب انخاقان  
 درخ خان از جمله قدیمی خدمتگذاران این دولت بود و در  
 بیات و شایستگی عالیجا شار الیه سمواره در  
 پیشگاه حضور مایون و زدا و بیای دولت علیه مشهور  
 کثرت افتاده لهذا نظر بلا خطه شایستگی و کار آگاهی عالیجا  
 شار الیه منصب فرورد را بعهده او محول و مفوض فرموده  
 در خور این خدمت خلعتی هم از جانب اعلیحضرت  
 پادشاهی بافتخار عالیجا شار الیه رحمت و عنایت  
 کردید

زوج جناب پرنس دو الواروکی وزیر مختار دولت  
 روسیه که چند ماه قبل ازین بجهت تعمیر آب و هوا و حاجت  
 ضعف و نقابست خود از دار الخلافه طهران روانه انگلیس  
 این روزها در آنجا وفات نموده است هر کس از دور  
 نزدیک بر معقولیت حسن خلاق او معرفی داشته  
 وفات او بسیار افسوس خورده چرا که او در مدت  
 سال توقف در این ملک بجز تعریف و توصیف  
 یاد کاری نگذاشت

افوزر باه سجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان  
 نوشته بودند روز عید سعید سلطانی امیر الامراء نظام  
 اجدوان باشی سردار کل در اطاق نظام نشسته لوازم عید  
 از قبیل صوفی شیری و شیلک توپ معمول داشته است  
 در کمال اعزاز و احترام خطبه بنام نامی مایون اعلیحضرت  
 پادشاهی خوانده شده است و بسبب صاحب منصبان  
 نظام و غیر نظام در روز عید فرورد در اطاق نظام حاضر شده

دیگر نوشته بودند که عالیجا مقرب انخاقان میرزا محمد خان که  
 در تمام دول خارجه و امورات متعلقه بدول متحابه سمواره  
 کمال اهتمام دارد و مسه روز در نهایت وقت و خوبی  
 با امور رعایای دول متحابه رسیدگی نموده و فیصل میدهد

عالیجا مقرب علیخان در ۲۸ ماه جمادی الاخری دار تبریز  
 شده و بخدمت محوله بجا میقام و اقدام دارد

از قراریکه نوشته بودند سر بازان جدید خلقی ایامه روز  
 بیرون شهر تبریز مشغول مشق میباشند

از قراریکه از آذربایجان نوشته بودند که صاحب منصب  
 از دول خارجه نیز تقریری نمود توپچیان متوقف تبریز روزهای  
 پنجشنبه را در برهنه بیرون شهر رژه شوق بر اندازی می کنند بسیار  
 خوب مشق نمایند بگونه صاحب منصبان دول خارجه که در آنجا بودند  
 چاکدستی آنها را در تبراندازی بسیار پسندیدند و تعریف بنمایند  
 که کثرتی از توپچیان سایر دول باین جلدی و چاکدستی و خوبی  
 تبراندازی می کنند

۱۰۷

# فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند امرزاده  
عبدالباقی میرزا در غیاب نواب مستطاب شاهزاده و

مؤیدالدوله طحاسب میرزا حکم ان ملک فارس کمال  
مراقت و اهتمام در نظم امور شهر و سایر جهات دیوانه

دارد و خلعتی که سابقا از جانب سنی بجوابت کاپون  
بافتخار امیرزاده مغزی الیه رحمت شده بود این اوقات

رسیده مباحث کلی حاصل نموده است و تا یک فرسخ  
خارج شهر باستقبال خلعت کاپون رفته بعد از آن

باغ نوح خلعت مبارک رازیب و دوش اعتبار خود ساخته است  
و لوازم توقیر و احترام را در استقبال خلعت کاپون بجا

آورده است و هم چنین در روز عید سعید نوروز سلطان  
نیز مراسم و طرذومات عید را از شیلک و غیره بعمل آورد

خطبه بنام نامی مبارک اعلیحضرت پادشاهی خوانده است  
در صفحات بنا در و سحر العجم فارس قرار آن است که

بغله دشتی در وریا غرق نبود باران کشتی در هر جا که  
ببریا ریخته باشد اهل آن بندر و جزیره که در حوالی آن

میروند از دریا بیرون می آورند و خوششان لصاحب  
خیمه ایند از جمله این اوقات از قراریکه نوشته بودند

از شیخ عبدالمجلیل نام که از بندر همبستی بارگیری نموده بودند  
که به بندر اوشهر بسیار نزد و قریب سی هزار تومان مال

از حضرات تجار در آن بوده است در محازی محال دشتی  
بغله مزبوره باصطلاح بغله کیان لاهم می شود یعنی بکل فرو میرود

امالی دشتی بنجیال و طح اینکه این بغله غرق شده است  
رفته و بغله را از اهل بیرون آورده و شکسته اند و خواه از

بنابر رسم معمول بغیر حق غارت کرده اند و حضرات تجار  
مراتب را خدمت نواب شاهزاده مؤیدالدوله نوشته بودند  
که در مقام رفع این امر خلاف برآیند

# کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالاعظم  
محمّد حسنخان سردار حکم ان یزد و کرمان در روز عید سعید

لوازم عید را از شیلک توپ و غیره بجا آورده و در بار  
هر یک از اعیان و اشراف و صاحب منصبان در خور

جبه و شال ترمه داده است و عالیجا منظر الدوله سردار  
سلطانعلی خان هم که از رکاب سهایون اذن انصراف حاصل

نموده روانه قندار کردید در ایام عید در کرمان بوده است و  
سردار لازمه لوازم و معانی را در روز و روز اول بجا آورده و روز

عید چند طاق شال برای تهنیت عالیجا پشار الیه فرستاده و دیگر  
هم بیازوید آورفته بود

دیگر نوشته بود که این اوقات احکام محلی بهر جناب آقا سید  
سردار معتمدتین برآمد معلوم بود که حاج حسین نام طلبه که از امامی بود که

جلی را خسته پشار الیه در مجلسی جناب آقا سید جواد حضور داشته حاضر کرده بودند  
خود او بالاخره بخطا و سببناات عمل خود واقف کرده بود که این احکام این ساخته

چون حکام مزبوره را بجهت آقا علیضای امامی حقه بود دهند و طلبه را حبس کرده و  
آقا علیضای امامی آورده بودند چون شب عید بود مواضع کرده و او را

در شب پیش و محرم تا جادی الاخری هر دو ایام را سوراخ کرده و انجمن بیرون  
به یوار و برج قلعه رسانید بودند و اولان خبر داشته از بالای برج آنها را گرفته بودند

نوشته هم بهر سوره نظام سردار از آنها برآوردند که کاندی که هر او را داشته است  
خشن را پاک کرده و سخط خواهد حکم نوشته بودند و بلند طلبه نور را سردار حسین

بسیار که شری علی را برآوردند و آقا علیضای امامی را خوش بود و بهر متحرک شده است

### اخبار دول خارجه

**انگلیس** در مشورتخانه وکلای رعایا در این ولایت  
گفتگونی شده است در خصوص قرار و قانون تعیین  
وکلای شهر قصبه بلوکات مملکت مزبور نوزده قصبه که جمیع  
هر یک بیشتر از پنجاه رکنس نبود وکیل فرستادن آنها  
موقوف کردند و سی و شش قصبه دیگر که جمیع هر یک  
کمتر از ده هزار بود وکیل فرستادن آنها از هم پستی  
موقوف نمودند و در عوض آنها از شهرانی که جمیع آنها  
از صد هزار رکنس بیشتر است قرار داده اند که از هر یک  
یک وکیل زیاد تر پستی تخت سیاید از هر چه نصیب  
نفر از قصبه های مزبور وکلای رعایا که در مشورتخانه  
پای تخت می نشستند کم می شوند و شصت و سه نفر از  
شهرهای بزرگ که جمیع و آبادی زیاد دارند و در عرض  
آنها قرار خواهند شد

از جمله سفر غریب که کشتیها در روی دریا کرده اند در  
اوقات یک کشتی بادبانی از شهر لورپول که در مملکت  
انگلیس میباشد تا ملبورن که در مملکت اسپانیاست در  
پنجاه و هشت روز رفته و درین پنجاه و هشت روز نصف  
ارض را طی کرده است

ایضا در روزنامه انگلیس نوشته اند که شخصی در مملکت بلژیک  
از کلورل بجهت تفنگ اختراع کرده است که نصف باروط  
که در کلولهای دیگر بجا میرود درین قسم کلوله کفایت  
و تفاوت کلی در انداختن تفنگ می کند بطوریکه هر قدر  
تفاوت که تفنگ نسبت ب دیگران دارد آنقدر تفاوت  
در تفنگهایی که از زمین کلوله انداخته میشود با تفنگهای سابق دارد

و در خصوص این کلولها چند نفر صاحب منصب از دیوان  
مأمور شده بودند که امتحان نمایند و در مملکت انگلیس نیز  
در این روزها این کلوله را امتحان می کنند صاحب  
کجه امتحان این کلوله در ولایت انگلیس تعیین شده است  
نوزده قصبه در خصوص کلوله های مزبور کرده اند و لکن در روز  
می نویسند که چنانکه اختراع باروط در خصوص قاعده و لوله  
جنگ در دنیا فرق کلی کرده است اختراع کلوله های مزبور  
چنین فرق خواهد کرد

### هندوستان

از نیولایت خبر از راه مصر مملکت انگلیس رسیده است  
تا ریح کاغذ آخر که از کلکته آمده بود چهارم ربیع لسانی بود  
و از شهر آمانی چین میت و دویم ربیع الاول و از خبر  
سینک پور چهارم و ششم ربیع لسانی از امورات چین  
نوشته اند که در شهرهای کانتان و نینگ پو میت  
ارامی بود و در آمانی که سابقا جنگ بود این اوقات  
نظم گرفته و تجارت باز دارد و دستگیرند بسیاری  
شهر جنگ مانی در جنگ مابین یاعیان و قشون پادشاه  
سوخده شده بود و سه از یاعیان بسینک پور پستی  
چین فرستاد و شش فرسخی آنجا بودند پادشاه مملکت  
بیان که یکی از ولایات تابع چین است نوشته بود  
و کشتیهای سنگی دریای شمالی در آن اطراف بودند  
و میخواستند عهدنامه ببندند که قرار شد و تجارت  
و غیره اذن تجارت داد و رفت در آن ولایت نوشته  
باشند و کمان داشتند که در بین اعتناش بجهت  
فوت پادشاه آنجا ای سنگی دنیا مجال یافته خواست